

پنجم ماه ۱۳۵۰
دریچه‌ای گشوده بر جهان



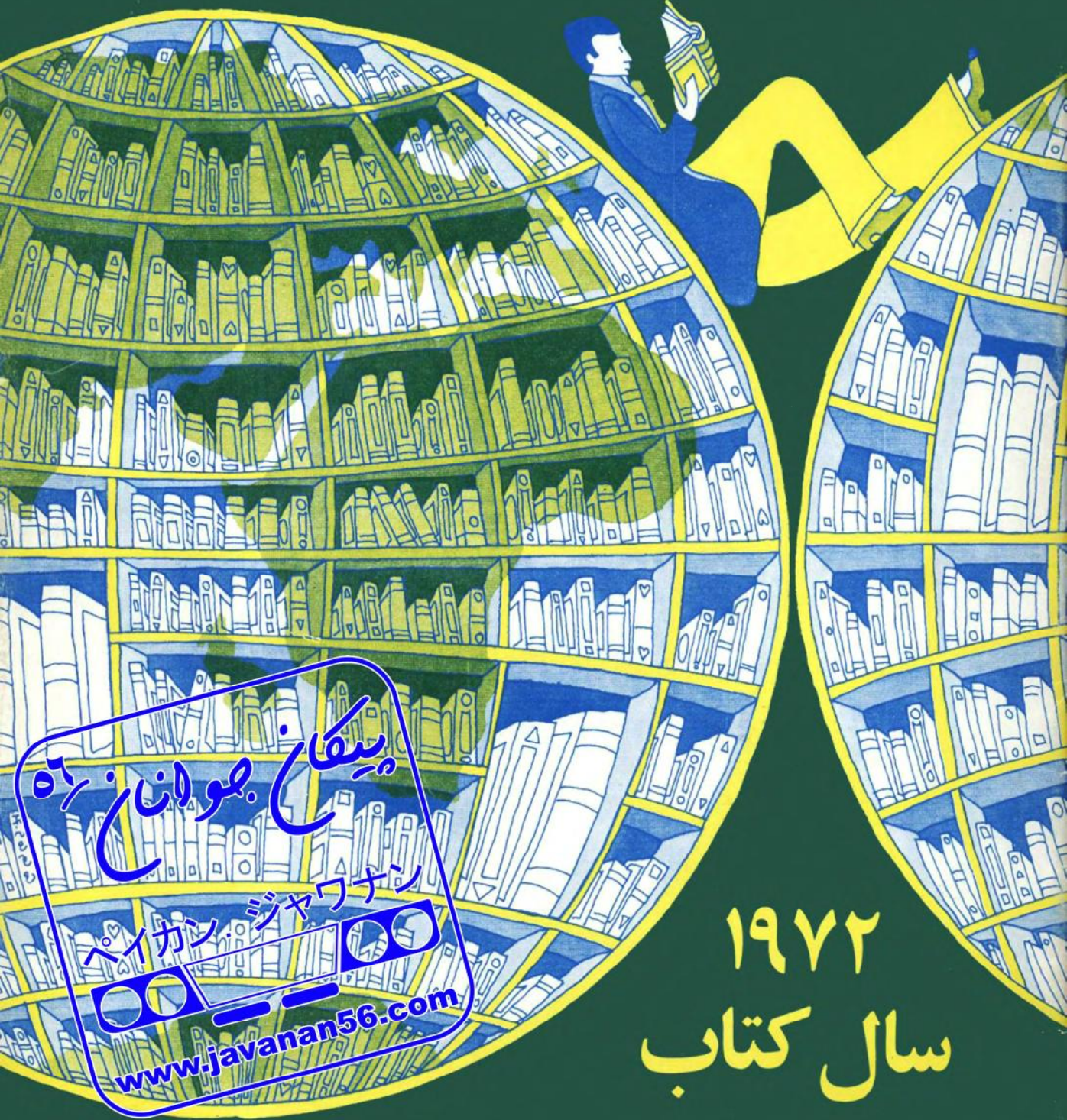
پیام

در این شماره مقالاتی از:

مارشال مک‌لوهان

آلبرتو مراویا

آلخو کارپانتیه



سپان جوانان ۵۶

پایگان ژاوانان
www.javanan56.com

۱۹۷۲
سال کتاب



Photo © Baber, Basle, Switzerland

خوانندگان کتاب در هفت قرن پیش در بغداد

این تصویر از نسخه خطی کتابی بنام «مقامات» اخذ گردیده که نمایتگر احترام و توجی است که در تمدن اسلامی نسبت به کتاب ابراز می‌شده است. در بغداد، پایتخت کنونی عراق، در اواخر قرن دهم دو «دارالحکمه» و یکصد کتابخانه موجود بوده که طلاب در آنجا با انواع کتب مربوط به رشته‌های گوناگون از قبیل: منطق، حقوق، هندسه، نجوم، موسیقی، طب، جغرافیا، ترجمه‌های آثار یونانی دسترس داشتند. کتاب «مقامات» مرکب از داستانهایی است که به نثر موزون نوشته شده و اثر حریری (۱۰۵۴ - ۱۱۲۳) یکی از بزرگترین استادان ادبیات آن زمان می‌باشد. این کتاب بوسیله فلسفی و سیتی که در اوایل قرن سیزدهم میلادی می‌زیسته، خطاطی و نقاشی شده است. تصویر فوق از کتابی بنام «تعلیم و تربیت» از مجموعه «هنر، جلوه انسانی» که بوسیله کنفدراسیون جهانی ملازمانهای معلمان انتشار یافته، اخذ شده است.

**گنجینه‌های
دنیای
هنر**

(عراق)

فارسی	عربی
فرانسه	ژاپنی
انگلیسی	ایتالیایی
اسپانیایی	هندی
روسی	تایلندی
آلمانی	عبری

ماهنامه یونسکو

سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد
دفتر مرکزی مجله: یونسکو، میدان فتنوا، پاریس-۷
نشانی دفتر «پیام»: خیابان روزولت، شماره ۱/۱۵۴،
تهران، صندوق پستی شماره ۱۵۳۳

نقل مطالب و تصاویر به شرط ذکر نام نویسنده و مجله آزاد است، مگر آنکه مطلبی یا عکسی با عبارت «نقل ممنوع» از این فاعده مستثنی شده باشد. از نشریات نقل کننده خواهشمند است از شمارهٔ حاوی مطلب یا مطالب نقل شده سه نسخه به دفتر «پیام» در تهران ارسال دارند.

مدیر و سردبیر:
ساندای کفلر
قائم مقام سردبیر:
رنه کالوز
معاون سردبیر:
التار دل

مدیران مسئول ماهنامه در زبانهای مختلف:

فارسی: فریدون اردلان (تهران)
فرانسه: ژان آلبرس (پاریس)
انگلیسی: رونالد فتن (پاریس)
اسپانیایی: فرانسسکو فراندرز سانتوس (پاریس)
روسی: گئورگی استسنکو (پاریس)
آلمانی: هانس رین (برن)
عربی: عبدالمنعم الصاوی (قاهره)
ژاپنی: هیتوشی تانیکجی (توکیو)
ایتالیایی: ماریا ریمیدی (رم)
هندی: گارتار سینگ دوگال (دهلی)
تایلندی: ن. د. سانداراودیولو (مدرس)
عبری: آلکساندر پلی (بیت المقدس)
متصدی آرشیو: ژنوآلیکس
میزانبار: روبر ژاکمن

تنظیم و امور فنی چاپ: ایرج پارسی

«پیام» با موافقت یونسکو، زیر نظر کمیسیون ملی
یونسکو در ایران - تهران منتشر می‌شود.

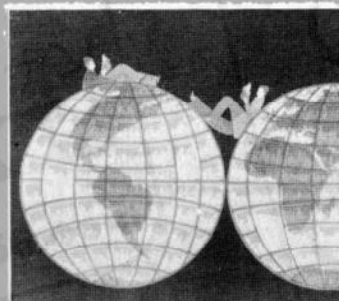
چاپ افست توسط چاپخانهٔ ۲۵۰ شهریور - تهران

اشتراک سالانه ۲۵۰ ریال

تک شماره ۲۵ ریال

شرح عکس روی جلد

«کتاب برای همه»، اینست شعار سال ۱۹۷۲ که یونسکو آنرا سال بین‌المللی کتاب اعلام داشته است. در عرصه تولید جهانی کتاب، عدم تعادل خطرناکی بین کشورهای پیشرفته و کشورهای درحال توسعه وجود دارد. حتی در آنجا که کتاب فروشی‌ها و کتابخانه‌های عمومی فراوانند، هنوز باید کوشش بسیار کرد تا مردم در هر سن و هر شرایط، بتوانند از گنجینهٔ پایان ناپذیر کتاب بهره‌مند شوند. برنامهٔ بین‌المللی یونسکو می‌خواهد برای این وضع چاره‌ی بیچوبد. این شماره «پیام یونسکو» در آستانهٔ فعالیت‌های سال بین‌المللی کتاب مطالب و اطلاعات وسیع و تازه‌ی را به خوانندگان عرضه می‌دارد.





۱۹۷۲

سال

بین‌المللی

کتاب

کتاب برای همه

نوشته رنه ماهو

مدیر کل یونسکو

در این آغاز سال ۱۹۷۲، که کنفرانس عمومی یونسکو با توافق آراء آنرا «سال بین‌المللی کتاب» اعلام کرده است، من از تمام کشورهای جهان دعوت می‌کنم که هر یک به مقتضای امکانات و احتیاجات خود به این اقدام وسیع بپیوندند و شعار آن را مورد توجه خود قرار دهد: کتاب برای همه.

سند کتبی از هزاران سال پیش، سند چاپی از قرن‌ها قبل، در حفظ و انتشار معارف انسانی نقشی اساسی ایفا می‌کند. در این اسناد است که ملتها بهترین متعدهان را برای تسلط بر افکار خویش و کسب آزادی خود یافته‌اند. با آنکه برخی از فرهنگ‌ها بر اساس ارتباط شفاهی و حرکات قرار دارد، معذک فقط از طریق ارتباط کتبی است که امکان ادامه حیات و حتی رشد و توسعه در جهان‌نورا بدست‌می‌آورند.

کتاب یعنی مطمئن‌ترین، عملی‌ترین ابزار ارتباط، در عین حال نخستین اختراعی است که اندیشه انسان را به تسلط بر زمان و سپس بر فضا نائل ساخت. از ربع قرن پیش به این سو، کتاب جزء طیف وسیع و وسائل ارتباط جمعی درآمده است و ضرورت دارد در این مجموعه، مقام، مرتبه و نقش آن در خدمت ارتباط جامعه نو بشری در مقیاس جهانی که این وسائل ممکن ساخته‌اند، حفظ و تأمین شود.

در دوران کنونی، در جهان نیاز بی‌کرانی نسبت به خواندن وجود دارد که برای بخشی از

مردم کره زمین ، صورت يك
قطعتي واقعي بخود گرفته است .
و حال آنکه انقلابی که در فنون
تولید و توزیع کتاب بوجود
آمده است ، امکان می دهد تعداد
روزافزونی از کتابهای خوب و
نسبتاً ارزان قیمت را در بازار
عرضه کرد . کشورهای در حال
توسعه با کمبود کتاب دست
بگریبانند و هرچه آموزش بیشتر
تعمیم می یابد ، این کمبود بیشتر
احساس می شود .

این کشورها که فقط يك
پنجم تولید کتاب جهانی از
آنهاست ، تنها از راه مبادله بین-
المللی می توانند در برآوردن
نیازهای خود آنهم بطور خیلی
نسبی - تلاش کنند و طی بلند
مدت هنگامی به برآوردن کامل
نیازهای خویش قادر خواهند شد
که يك صنعت ملی انتشارات
بوجود آورند .

گرچه برنامه جهانی یونسکو
بخاطر ترویج کتاب و بویژه
چاره جویی این عدم تعادل و خیم
بین کشورهای در حال توسعه
و کشورهای پیشرفته بمرحله
اجراء گذارده شده ، با وجود
این ، تنها جنبه کمی مسئله مطرح
نیست و نیز مخصوصاً ضرورت
دارد که بنحوی اقدام شود که
کتاب بعنوان ابزار ممتاز دانش
و تفکر در شکوفایی فرد و ترقی
جامعه ، بهمگان امکان دهد تا از
بهترین ثمرات روح و اندیشه
در تمام جهان برخوردار شوند

و بدین ترتیب تفاهم بین ملتها
که شرط اولیه صلح واقعی است ،
بوجود آید .

حتی در کشورهایی که نشر
کتاب حالتی شکوفان دارد ، کتاب
هنوز بعرضه زندگی تمام افراد
راه نیافته است . در حالی که این
کشورها بطور کلی دارای شبکه-
های توزیع هستند که کتاب را
به خواننده می رسانند ، این
موضوع همچنان در بسیاری از
این کشورها واجد اهمیت است
که چگونه خواننده را می توان
بسوی کتاب در سطوح مختلف
جلب کرد . نسبت تعداد قابل
ملاحظه کسانی که «کتاب نمی -
خوانند» و در پر تو تحقیقات منظم
بدست آمده ، موید این معنی
است .

آیا هنگام آن فرانسیده است
که تمام مسائل نشر کتاب بار دیگر
در معرض بررسی قرار گیرد تا
فنون الکترونیک و سمعی -
بصری که بیش از پیش کتاب را
تحت تأثیر قرار داده اند ، بخدمت
آن درآیند ؟ از آنجا که کتاب
را دیگر نمی توان از سایر
وسایل بزرگت خیری مجزا
کرد ، آیا لازم نیست نقش آن را
در جامعه مورد ارزیابی مجدد
قرار داد ؟

مسائلی از این قبیل است
که طی سال بین المللی کتاب باید
مورد توجه جامعه جهانی قرار
گیرد تا راه حل هایی پیدا شود
که بی شك مستلزم همکاری
مجدانه مقامات عمومی و همچنین
اشترک مساعی مؤسسات مختلف
اعم از ملی ، منطقه ای و بین -
المللی و نیز مجاهدت عموم افراد

است .

اگر قرار است این اقدام
در هر کشور عضو ، از راه يك
تلاش ملی برای بسیج نیروها و
برانگیختن ابتکارهای مشخص ،
بعمل آید ، لازم است که نشانی
هم از يك جنبش و همکاری بین-
المللی در خود داشته باشد . با
در نظر گرفتن عظمت نیازهای
کشورهای در حال توسعه ، وظیفه
دولتها و دستگاههای مدیریت
برنامه های دو جانبه و چند
جانبی است که بویژه در مورد
تولید و توزیع کتاب ، همکاریهای
فنی و مالی لازم را میزول دارند .
در اجرای برنامه سال بین-
المللی کتاب طبعاً نقش درجه
اول بر عهده سازمانهای صنفی
نشر کتاب ، نویسندگان ، ناشران ،
کتابداران ، کتابفروشان ، است
که از نزدیک با این برنامه پیوند
داشته و خواست و اراده خود را
در همبستگی بیشتر و وسیعتر با
تنظیم مشترک و تصویب
«منشور کتاب» نشان داده اند .

اما سال بین المللی بیش از
همه ، مربوط به عده بی شماری
است که کاربرد کتاب بنظر آنان
بعنوان ابزار کار روزمره ، وسیله
تربیت شخصی یا منبعی برای
تخیل و رؤیاست و از خوشبختی
و منزلت زندگی جدایی ناپذیر
است .

دست در دست هم گذاریم
و بکوشیم تا شعار «کتاب برای
همه» ، تحقق پذیرد .

«دختر جوان در حال خواندن، در متن قرمز»
الریابلویکاسو، نقاشی
روی چوب ۱۹۵۳.

در قالب سال بین‌المللی کتاب، یونسکو اترمه‌می را درباره وضع کتاب در جهان کنونی زیر عنوان «عطش خواندن» منتشر می‌کند. بخشی از این کتاب بقلم ربراسکار پیت، نویسنده و منتقد فرانسوی نوشته شده است و بخش دیگر بوسیله رونالد بارکر، دبیر انجمن ناشران انگلستان پرشته تحریر درآمده است. مقاله‌یی که در زیر می‌آید، چکیده فصول مختلفی است که ربراسکار پیت تنظیم کرده است.

عطش خواندن

نوشته ربراسکار پیت

این حکمت باستانی از قرن‌ها پیش از بیان مکتوب استفاده می‌کند ولی آن را برای حفظ افکار بکار می‌برد و نه انتشار آنها. در این دو مورد، اندیشه و خواندن چه معنایی دارد؟ برای گروه نخست، سوآدموزی و مدرسه رفتن به بن بست می‌انجامد، دست بالا، و بیسای کوشش فراوان، می‌توان به افراد این گروه خواندن نام‌ها را آموخت، اما «خواندن» فقط موقعی بحقیقت خواهد پیوست که نیاز و الزام ارتباط به شکل تمایل و خواست تغییر، ظهور کند. در حدودی که خواندن، ابتکار و حرکتی است بسوی دیگری، دوباره سازی با معنایی که دیگری ارزانی می‌دارد، جستجوی بدعت‌تلقی می‌شود. برای آنکه خواندن معنایی داشته باشد، لازم است که اراده و خواست نوجویی در آن موجود باشد. در این مورد خاص، بعید نیست که این نوجویی از راه آموزش عملی در سطح فنون کشاورزی بوجود آید و نخستین درس‌ها نه از راه کتاب و روزنامه بلکه از طریق صدای گرفته چند دستگاه کهنه رادیو انجام گیرد. در گروه دوم نیز اراده و خواست نوسازی است که باید نیروی محرکه و علت وجودی خواندن قرار گیرد. اما در اینجا بی‌شک شکل مقابله تسلل‌ها را بخود خواهد گرفت و به‌رتگ آگاهی سیاسی در خواهد آمد. در آن صورت اجرای ارتباط کتبی بیشتر با نهضت‌های فکری و طرز عمل مقامات رسمی و ابتکار دستگاه تولید

و لیرترام در کتاب خود بنام «اطلاعات و رشد ملی» (که سال ۱۹۶۶ از جانب یونسکو انتشار یافت) دو گروه کشورهای در حال توسعه را توصیف می‌کند یکی گروه آفریقایی است که ارتباطات در خانواده‌های خانوادگی آنها زیاد است، ولی از حوادثی که در فاصله پیش از ۱۵ کیلومتری روی می‌دهد، ظاهر کسی خبر ندارد. از میان چندین کودک، یکی بمدرسه سیرده شده ولی او نیز بعلت فقدان وسیله، نداشتن کتاب و روزنامه در محیط خود آنچه را فرا گرفته از یاد برده است، دیگر نمی‌تواند بخواند و بنویسد.

گروه دوم آسیایی است. بیوندهای آن با جهان خارج بیشتر سابقه دارند، ولی نهاد-های اجتماعی، روانشناسی سنتی مقدمات مانع آنست که مبادله واقعی افکار و اطلاعات با جهان خارجی که از وجودش آگاهند و در عین حال از آن بیم دارند، صورت پذیرد. کتابت در آنجا بر حسب طریقه‌های حکمت باستانی رواج یافته.

ربراسکار پیت «R. Scarpit» استاد ادبیات تطبیقی بر دانشکده ادبیات برود است و نیز در آنجا مؤسسه ادبیات و شیوه‌های هنری عامیانه را اداره می‌کند. ربراسکار پیت که مورخ ادبی و کارشناس نشر کتاب است، همکاری منظم و قابل ملاحظه‌یی با روزنامه «لوموند» دارد. اثر او درباره «انقلاب کتاب»، سال ۱۹۶۵ از جانب یونسکو انتشار یافت و همان کتاب با مقدمه مؤلف و پس از تکمیل اطلاعات و آمارهای آن، بمناسبت سال بین‌المللی تعلیم و تربیت در ۱۳۴۹ تحت نظر کمیسیون ملی یونسکو در ایران بفارسی ترجمه و منتشر شد.

و توزیع در مقیاس ملی یا منطقه‌یی، بستگی خواهد داشت.

در هر دو مورد، زمان خواندن فرا خواهد رسید، زیرا فقط خواندن امکان می‌دهد که کسب اطلاع «طبق دلخواه» بطور مداوم انجام گیرد و این خود، سازنده یک رفتار و شکل دهنده به نحوه‌های جدیدی از تفکر و عمل است. اما راه‌های جاافتادگان این نحوه‌های جدید فکر و عمل از حالتی به حالت دیگر فرق می‌کند و بنابراین نحوه جای دادن خواندن در زندگی اجتماعی نیز متفاوت خواهد بود.

پس ملاحظه می‌شود مفهوم عادت مطالعه که معنای واحدی در این دو موردی که ذکر کردیم ندارد، در مورد دشرنشینان یک کشور کاملاً توسعه یافته که از دوران کودکی از طریق ارتباط کتبی تربیت شده و این امر به



Lady Bagrit Collection, London © Kunstanstalt Max Jaffé, Vienna - Spadem

که قادر به خواندن هستند، هرگز یا تقریباً کتاب نمی‌خوانند.

در کشورهای پیشرفته‌یی که در آنها آموزش، تعمیم یافته است و آموختن خواندن برای همه اجباری است، ظاهراً بطور معکوس، نسبت غیر خوانندگان بیشتر از کشورهایی است که پیشرفت در توسعه آموزش در آن معیار رشد بسیار می‌رود و کسی که قادر به خواندن باشد، انگیزه‌هایی بسیار نیرومند برای مطالعه دارد.

در هلند که بازار کتابخوانی رونقی خاص دارد، متعاقب یک بررسی در ۱۹۶۰ که به‌طور صریح مسئله غیر خوانندگان را مطرح نمی‌کرد، معلوم شد که ۴۰ درصد از افراد مورد سؤال، اعلام داشته‌اند که «خواندن را دوست نمی‌دارند». بعکس ملی یک نظریاتی که در سالهای ۱۹۶۴-۱۹۶۳ در ۱۴۵ خانواده از درجات مختلف نسل در نسل بعد

بر طبق یک بررسی که در ۱۹۶۲ در ایتالیا انجام گرفت، از میان ۴۰۰ نفر، متعلق به تمام قشرهای اجتماعی، ۳۱ نفر هرگز کتاب نخوانده بودند و ۱۲۹ نفر کتاب خواندن را کنار گذاشته بودند، یعنی ۴۰ درصد از افراد، کتاب نمی‌خواندند. یک بررسی دیگر که در ۱۹۶۴ در مجارستان صورت پذیرفت، نشان داد که در میان ۲۲۷۷ نفر، ۳۹/۴ درصد کتاب نمی‌خوانند. و بالاخره بموجب یک بررسی که در ۱۹۶۷ در فرانسه، بعمل آمد، در میان ۶۸۶۵ نفر بزرگسال، ۵۳ درصدشان کتاب نمی‌خواندند. این نسبت که در آن لحظه برای افکار عمومی فرانسه تکان دهنده بود، با در نظر گرفتن اختلاف روش و معیارهای بررسی، پانویس بدست آمده در جاهای دیگر، متضاد نبود. می‌توان گفت که حتی در پیشرفته‌ترین کشورها، نسبت زیادی از کسانی

حرکتی آنقدر طبیعی مبدل گردیده که جزء غریزه او بشمار می‌رود نیز متفاوت است و آن عبارت است از تکمیل معلومات در هر لحظه با مراجعه به متن نوشته، مطالعه کتاب در یک جامعه مصرف کننده در صورتیکه جزء جریان زندگی درنیاید و انگیزه‌یی اجتماعی یا روانی در میان نباشد، باسانی به فعالیتی حاشیه‌یی مبدل می‌گردد.

به بیان دیگر، برای کسی که در محیطی زندگی می‌کند که مطالعه هنوز جای علت وجودی و نیروی بقا ندارد و آن کسی که زندگی‌اش حتی اگر خود متوجه نباشد - سرشار از قرائت انواع مختلف متون از قبیل: روزنامه، اعلان، پرسشنامه‌ها، درخواستهای شغل بوده است و مطالعه کتاب فقط حالت خاصی از این مجموعه را تشکیل می‌دهد، «خواندن» معنای واحدی ندارد.



Photo Serge de Sazo © Rapho, Paris

عطش خواندن (بقیه)

دانشگاهی را بیایان برده‌اند، کمتر از کارکنان متوسط متداول است. این امر بیشک نتیجه آنست که کارکنان درجات عالی، عملاً به نحوی نامحدود زیر فشار زندگی نو قرار دارند، در حالی که دیگران معمولاً از حمایت قوانین اجتماعی برخوردارند که اوقات فراغتی در اختیارشان می‌گذارد.

معدلك ناپایداری عادت به خواندن، ریشه‌های دورتری دارد که به زمان کودکی و سن پیش از مدرسه مربوط می‌شود. احتمالاً طی این دوره است که موضع اساسی شخص در مقابل کتاب شکل می‌گیرد. همانطور که بارها نشان داده شده است، کودکی که در آغاز زندگی تحصیلی با کتاب خواندن آشنا می‌شود، گرایش دارد که خواندن کتاب را با جهان مدرسه‌توأم ببیند، بویژه اگر در محیط خانوادگی‌اش هم به کتاب برخورد. اگر تحصیل دشوار باشد یا نتیجه آن چندان باکامیابی قرین نگردد، نوعی بی‌میلی به خواندن ایجاد می‌شود که پس از ختم تحصیل، بصورت رها کردن کامل هر نوع خواندن تظاهر می‌کند. بنابراین بسیار اهمیت دارد که پیش از سن مدرسه، کتاب بزندگی کودک راه یابد و جزء فعالیت‌ها و بازیهای روزمره او

درست ۷/۵ درصد از نمونه مورد بررسی را تشکیل می‌دهند.

بنابراین مسئله حقیقی غیر از خوانندگان در سطح بزرگسالان و بویژه در سطح جوانان مطرح است که پیش از دیگران برائت فقدان کاربرد سواد و خواندن، دوباره به «بی‌سوادی فنی» سقوط می‌کنند.

این دوره آسیب‌پذیری در سنین مختلف تغییر می‌یابد و هرچه تحصیل کوتاه‌تر بوده باشد، این دوره زودتر فرا می‌رسد. در بررسی نامبرده در بالا دربارهٔ احضار شدگان به خدمت زیربرجم در فرانسه، ۱۲/۹ درصد از کسانی که تحصیلات خود را از ۷ سال پیش تمام کرده بودند، جزء غیر خوانندگان قرار داشتند، در حالی که در میان آنان که کمتر از دو سال پیش از احضار به خدمت، تحصیل خود را تمام کرده بودند و یا هنوز به آن ادامه می‌دادند، غیر خواننده وجود نداشت. دانشجویان همه‌جا، جدی‌ترین مطالعه کننده کتاب هستند، ولی معنایش آن نیست که پس از ختم تحصیل آنان نیز مانند دیگران دوره بحران آسیب‌پذیری را نگذرانند. حتی برخی از نشانه‌ها وجود دارد که مطالعه، در میان کارکنان عالی‌که تحصیلات

کارکنان دولت، در پاکستان شرقی انجام گرفت، آشکار شده که از میان ۴۸۸ نفر از دوازده ساله به بالا، فقط ۵۳ نفر یعنی به زحمت ۱۰/۹ در صد رغبتی بمطالعه نشان نمی‌دهند.

نسبت درصد غیر خوانندگان، پادرتظیر گرفتن بزرگسالانی که زمان تحصیل راپشت‌سر گذاشته‌اند، بیشک باز هم بیشتر می‌شود. نخواندن، پدیده‌یی خاص جوانان نیست. دو بررسی درمسئله خواندن نزد احضارشدگان به خدمت زیر پرچم، که یکی در ۱۹۶۰ در سوئیس و دیگری در ۶۳-۱۹۶۲ در فرانسه انجام گرفت، دارای نتایجی مشابه ونسبت بسیار پایینی از غیر خوانندگان بود: ۷ درصد در سوئیس، ۸/۹ درصد در فرانسه.

می‌توان تأیید این مطلب را در بررسی ایتالیا که در بالا ذکر شد، جست. از میان ۴۰۰ نفر که مورد سؤال قرار گرفته بودند، ۱۶۰ نفر غیر خواننده وجود داشت، ولی فقط ۳۱ نفر اظهار داشتند که هرگز کتاب نخوانده‌اند و ۱۲۹ نفر بقیه می‌گفتند که عادت خواندن را از دست داده‌اند. بنابراین افراد اخیر در زمان جوانی کتابخوان بوده‌اند. اما ۳۱ نفری که کتاب نمی‌خواندند، حتی اگر همه جوان بوده باشند،

انتشار کتاب با دامنه ی وسیع، احتمالاً قابل ملاحظه ترین جنبه های رشد فرهنگی در نیمه دوم قرن بیستم، تلقی می شود. کتاب جیبی فعلاً، هم متون ادبی کلاسیک و هم آثار فنی، هم کتابهای تعلیم و تربیتی و هم داستانهای عامیانه را منتشر می سازد. این کتاب نه تنها در کتاب فروشیها، بلکه در فروشگاههای بزرگ، پمپ بنزینها، دراک استورها، یا در دکتهای کوچک روستایی نیز فروش می رسد. عکس سمت راست، یک کتابفروشی چند طبقه را در بوگانا (کلیفیا) نشان می دهد. در این شهر است که با کمک یونسکو یک مرکز منطقه ای برای ترویج کتاب در آمریکای لاتین بوجود آمده است. در انتهای سمت راست، ویترینهای حاوی کتابهای جیبی بصورت «سلف سرویس» در یکی از فروشگاههای بزرگ فرانسه دیده می شود.



Photo: E. Paul Alimasy Paris

قالبهای دیگر فرهنگی که نسبتاً تازه پیدا شده اند، در جهت ارزش دادن به خواندن قرار دارند، ولی همواره قادر به تغییر عمیق رفتارهای کهن نیستند. معمولاً از بررسیها چنین برمی آید که «خواندن خوب است»، «خواندن مفید است»، «خواندن لازم است»، ولی شخص مورد سؤال براحتی خود را یک مورد استثنائی می انگارد و گاه از این بابت خود را سرزشتن می کند، زیرا بقول خودش «وقت ندارد»، چون «کارهای دیگری دارد» یا فقط به این دلیل که کارهای دیگر را ارجح می شمارد. دیگر نمی گویند که خواندن «برای زنان خوبست»، بلکه معمول و رایج آنست که خواندن را «برای دیگران هم خوب» بدانند، بویژه - بانثان ظریفی از خصوصت - برای کسانی که کار مبهتری ندارند. اما از آنجاکه هر نوع خواندن، تاحدی جنبه فعالانه دارد، باید برای خواندن، میل و شوق وجود داشته باشد. یکی از علل اصلی نخواندن در کشورهای پیشرفته آنست که علیرغم پیشرفتهای آموزش و عمومیت یافتن تحصیلات، کتاب برای عامه مردم هنوز بیگانه است. به بیان دیگر پیشرفتهای بقیه در صفحه بعد

جسمانی کاریدی، یا فشارهایی که بر کارکنان وارد می آید، به واقع مانعی در راه کوشش خواندن، حتی در مورد ساده ترین کتابهاست، تعداد زیادی از افراد (بویژه صاحبان مشاغل فکری) نیز اظهار می دارند که کم کتاب می خوانند چون خسته اند، ولی در عین حال برای رفع خستگی کتاب می خوانند. بنابراین نوعی آمادگی برای خواندن کتاب لازم است که نه فقط بساعات و شرایط کار، بلکه به تمام چهار چوب زندگی بستگی دارد: مسکن، محیط خانوادگی، سطح زندگی، تامین شغل و غیره. ضمناً باید در نظر گرفت که این آمادگی، به خودی خود کافی نیست. خصلت منفی توأم ساختن کتاب با کار تحصیلی که در بالا به آن اشاره شد، فقط حالت خاصی است از قالبهای گوناگون اجتماعی که مانعی بر سر راه خواندن بشمار می روند. بدینی دیرین - و بنابراین تنفر تحقیر آمیز نسبت به هر نوع کاری که هیچ پیک از خواص سستی مردانگی را بکار نیندازد، بتدریج تخفیف یافته، ملایمتر می شود و زبان خود را تغییر می دهد و با وجود این، در بسیاری از محافل، بصورت پنهانی همچنان وجود دارد.

در آید. آشنایی با کتاب پیش از خواندن، استحکام دست آوردهای بعدی را تضمین می کند. بلافاصله پس از پایان تحصیل، موانع کتاب خواندن زیاد می شود. با اینکه موانع مذکور اشکال مختلف دارند، معبداً می توان درسه گروه متمایز جایشان داد: ابتدا موانع جسمانی، روانی، یا اجتماعی که مربوط به خود خواننده است؛ بعد موانع مربوط به دستگام تولید و توزیع کتاب؛ و بالاخره موانع مربوط به محتوای مواد خواندنی و هدف و غایت آن. در میان موانع دسته اول، معمولاً کمبود وقت بزرگترین علتی است که برای نخواندن کتاب ذکر می شود. اما این بهانه، اغلب صورت ظاهری است از یک از خود بیگانگی عمیق تر که شکلهای گوناگونی بخود می گیرد. حتی می توان از خود پرسید آیا حقیقتاً گروه کتاب خوان، کتاب خواندن را نوعی گذران وقت، یا لااقل در حد ورزش و تلویزیون تلقی می کند یا نه؟ معذک در جدی که خستگی یکی از فراوانترین علل نخواندن تلقی می شود، در نظر گرفتن تعادل کار فراغت نیز اهمیت دارد. ولی در اینجا هم باید محتاط بود. اگر خستگی

رادیو و تلویزیون، باعث تشویق مطالعه می‌شوند

بعلاوه در پیشرفته‌ترین کشورها، میزان توسعه رادیو و بعد، تلویزیون بتدریج گرایش به تخفیف و رسیدن به میزان توسعه کتاب، پیدا می‌کند. (در ۱۹۶۷، افزایش تعداد دستگاههای تلویزیون، در حدود ۵ درصد در ایالات متحده، و ۴ درصد در انگلستان بوده است).

کتاب که بیش از چهارهزار سال پیش اختراع شد، ماشین قابل تحسینی برای ارتباط است که پیام در آن صورت زمن دارد و این رمزها را می‌توان تکثیر کرد از جایی به جای دیگر انتقال داد، و هرکس که کلید آن یعنی خواندن را در دست داشته باشد، می‌تواند آنرا بخواند و بخواند.

طی قرن‌ها، همه کوششها، در راه تکامل شکل شیئی در بردارنده پیام (طومار، دفتر، جزوه)، جنس آن (پاپیروس، پوست، کاغذ) یا نحوه تکثیر آن (نسخه‌برداری دستی، چاپ دستی، چاپ مکانیکی، افست و غیره) بکاررفت، با پیدایش کتابهای پر تیراژ و روزنامه، در قرن نوزدهم شبکه‌ی ارتباطی ایجاد گشت که نیازهای جامعه صنعتی را برمی‌آورد.

طی سال ۱۹۷۰، تولید جهانی کتاب در حدود ۵۰۰،۰۰۰ عنوان و تعداد آن از ۷ تا ۸ میلیارد بوده است. میزان سالانه افزایش عناوین کتب، به ۴ درصد و تعداد کتب به ۶ درصد می‌رسیده است. بین سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۷۰، تولید جهانی کتاب از نظر عنوان، دو برابر و از نظر تعداد کتاب سه برابر افزایش یافته است. در همین مدت، با در نظر گرفتن بزرگسالان سواد آموخته و کودکان مدرسه‌رو، تعداد افراد کتاب خوان جهان، دو برابر شده است.

مصرف فردی کتاب، چنانکه ملاحظه می‌شود، کمی پیشرفته است و بنابراین می‌توان ادعا کرد که در دوران وسایل ارتباط جمعی، وضع کتاب خراب نشده است.

یقین است که وسایل ارتباط سمعی - بصری، ناگهان به تقاضاهایی که طی چند نسل پنهان مانده بودند، پاسخ دادند و اکنون به مرحله توسعه شدید و ناگهانی رسیده‌اند. مقایسه این توسعه «حرکت اولیه» با توسعه وسیله ارتباط چاپی که در بخشی از جهان مدت‌های مدید جایی منحصر بفرود داشت، اغراق آمیز است.

فنی که بزحمت پنج قرن از عمر آن می‌گذرد، و از اختراع و کاربرد چاپ به بعد، امکانات مادی تهیه و نشر کتاب، آهنکی سریعتر از تحول روحیه جامعه داشته‌اند. جوامع «باسواد» ما موضع «پیش از سواد» را حفظ کرده‌اند.

یک بخش - ولی فقط یک بخش - از قدرت وسایل سمعی - بصری، نه‌ناشی از «نوع بودن آنها، بلکه محصول آنست که رفتارهای دیرین را که هنوز کاملاً بفراموشی سپرده نشده‌اند، بازمی‌یابند و بیدار می‌کنند. در این حال اگر خواندن بتواند در این بازگشت بنا اصل و منشأ خود در آمیزد و جای خود و نقش خود را در آن بازیابد، می‌تواند غنای بیشتر بیاورد. اگر این امر در کشورهای که دارای فرهنگ مکتوب باستانی هستند، صادق باشد، در مورد کشورهای در حال توسعه که مستقیماً به وسایل سمعی - بصری دست یافته‌اند، بطریق اولی صادق است. برخلاف آنچه ظاهراً مارشال مک‌لوهان می‌گوید، هیچ‌وجه یقین نیست که روشنایی تمام خورشیدهای «منظومه گوئیترک» پایین یافته باشد.

از ۵۰۰/۰۰۰ عنوان کتابی که طی ۱۹۶۹ در جهان منتشر شد، در حدود ۲۲۵/۰۰۰ یعنی ۴۵ درصد آن محصول اروپا (به استثنای شوروی) بوده است و حال آنکه جمعیت این منطقه، فقط ۱۳ درصد جمعیت جهان است. تا سال ۱۹۷۰، آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا (از جمله جمهوری خلق چین، به استثنای ژاپن) که تقریباً نیمی از با سوادان بزرگسال جهان و ۶۴ درصد کودکان مدرسه رورا در خود جای داده‌اند، فقط ۱۹ درصد از تولید جهانی کتاب را در دست داشته‌اند. در عکس زیر یکی از مراکز سوادآموزی در لکسو (هندوستان) دیده می‌شود. در اینجا از سال ۱۹۵۳ تاکنون ۱۲/۰۰۰ معلم و متخصص مختلف برای مبارزه با بی‌سواری تربیت شده‌اند. یونسکو کمک فنی خود را به کشورهای آفریقایی ارزانی داشته است تا بتوانند کتابهای درسی خود را تهیه و تولید کنند. در عکس پایین سمت چپ، یکی از مدارس به ره (چاد) دیده می‌شود که در آن کودکان دستور زبانی را که در خود آفریقا منتشر شده است، فرا می‌گیرند.

Photo Marilyn Silverstone © Magnum, New York



الته طرف مقابل آنهم وجود داشت. برای اینکه ماشین کار کند، می‌بایست فن خواندن رمز را عمومیت داد. در تمام جهان غرب، جنبش آموزش سواد عمومی، با رواج کتاب و روزنامه همراه شد. این، الزامی حیاتی بود تا دستگاه اجتماعی بتواند مدارهای اطلاعاتی لازم برای عمل مناسب خود را در اختیار گیرد. پیشرفت امر آموزش - مدرسه رفتن و سواد آموختن - بنوبه خود نیازهای جدیدی را پیش کشید، در ابتدای قرن بیستم، عملیات ارتباط جهان تحول یافته، از طریق چاپ انجام می‌گرفت.

در این موقع پدیده اشباع ظاهر شد. این پدیده نتیجه‌کنندگاری دستگاه توزیع در مردمی بود که تعداد خوانندگانش روبه افزایش نهاده بود و نیز محصول آهستگی نسبی جریان رمز-نویسی و کشف رمز در جهانی بود که صرفه-جویی در زمان را الزامی حیاتی می‌دانست. شبکه ارتباط جایی که در نیمه اول قرن بیستم بتدریج به حال اشباع رسید، روبانخطاط نهاد و آثار این جریان در بحران عمومی مطبوعات و انتشارات مشهود گشت.

در این هنگام، در لحظه معهود، وسایل ارتباط سمعی - بصری ظاهر شدند و سرعت بخش بزرگی از انتظارات را که برعهده نوشته‌ها بود و نوشته دزبر آوردنش فرومانده بود، بدوش گرفتند. این انتقال نقش، نخست به این دلیل انجام شد که بدین ترتیب امکان می‌داد حادثه واقعی یا خیالی فوراً دانسته شود. تأثیر این امر در مطبوعات بیش از کتاب بود، چون حوادث، درست زمینه کار مطبوعات است. مطبوعات که بدین ترتیب از تعقیب حوادث از نزدیک فارغ شدند، از راه تفسیرهای عمیق یا

Photo © Léon Herschtritt - Parimage Paris

اختیار نزدیک به جستجوی تعادلی جدید بارادیو و تلویزیون برآمدند. در نتیجه این تأثیر در مورد کتاب آهسته‌تر ظاهر شد و بیچیده‌تر هم بود. مثلاً در مورد محتوی، محتمل است که طی سالهای آینده، نوعی عقب‌نشینی یا دست کم نوعی استحاله در ادبیات تخیلی بوجود آید. بی‌شک به خاطر آنکه ادبیات خبری - تحقیق، گزارش، تاریخ، همه فهم کردن - بهتر به نیازهای طالبانی پاسخ می‌دهد که افق دیدشان وسیعتر شده است.

مسائلی که رادیو و تلویزیون مطرح می‌سازند، بی‌حد است، ولی پاسخ به این مسائل برای این دستگاهها، کاری دشوارتر است. مسئله کنونی کتاب-اعم از تخیلی یا جز آن- عبارت است از «نتیجه‌گیری» از اطلاعاتی فراوان، سرسام‌آور، ولی دقیق و بی‌عبارت دیگر، زودگذر. از نظر مادی هم وضع کتاب تغییر کرده است. طی سالهای پس از جنگ جهانی دوم، بویژه از سال ۱۹۵۰ به بعد، انقلابی حقیقی در کتاب بوجود آمد که فنون تولید و شیوه‌های توزیع کتاب را تحت تأثیر قرار داد و تظاهر آن پنحو عمده در پیدایش نوعی کتاب است که آن را «کتاب جیبی» نام نهاده‌اند.

«کتاب جیبی» که به تعداد بسیار زیاد تولید می‌شود، به بهایی متناسب قدرت خرید عامه مردم بفروش می‌رسد، و توسط شبکه‌یی از مراکز فروش توزیع می‌گردد که با شبکه کتابفروشیهای معمولی قابل قیاس نیست. به برکت بخش انبوه کتاب، گنجینه‌های عظیمی از علم و فرهنگ در اختیار خوانندگان بی‌شماری قرار گرفت که تا آن زمان بآنها دسترسی نداشتند. از سوی دیگر مرزهای موجود

بین انواع مختلف تولید فکری از بین رفت. «کتاب جیبی» هم داستانهای عامیانه و هم متون آموزشی، هم آثار کلاسیک و هم متون فنی و آثار تحقیقی را منتشر می‌کند.

در زمان ما دیگر نمی‌توان کتاب را از سایر وسایل ارتباطی جدا کرد. کتاب باشیوه - های متعدد و گوناگون مانند تصاویر رنگین، استفاده از اسناد بصری یا سمعی، انتشار کتابچه‌های منظم، قابلیت انعطاف‌پذیری وسایل سمعی - بصری را باز یافته و با این وسایل، پیوندهایی بیشتر و نزدیکتری بوجود آورده است.

بطور کلی مشاهده می‌شود که رواج رادیو و بویژه تلویزیون، افزایش کتاب خواندن را به‌راه آورده و تقاضای کتاب را مستقیماً به نسبت اهمیت شبکه سمعی - بصری بالا برده است.

درواقع آنچه وسایل ارتباط سمعی - بصری متداول در این زمان را مشخص می‌کند، آنست که رمز و کشف رمز اخبار در آن تقریباً خود بخود جریان می‌یابد و برای فهم آنها فقط به حداقل ابتکار نیاز است. پاسخ گیرنده پیام، در طرز عمل دستگاه، اهمیتی ثانوی دارد و بازگشت آن به سوی فرستنده پیام - در صورتی که وجود داشته باشد - بسیار ناپایدار و حاشیه‌یی است. از سوی دیگر آهنگ گرفتن پیام و ترتیب توالی آن از نظر زمانی، یکبار برای همیشه تعیین می‌شوند و این امر، سازمان یا بی‌مجدد پیام را در مقصد، وادغام آن در یک شیوه تفکر مستقل را دشوار می‌سازد.

بدین‌سبب وقتی وسایل سمعی - بصری را در امر آموزش مورد استفاده قرار می‌دهند



عطش خواندن (بقیه)

با برای ارتباطی از نوع هنری بکار می‌برند، نمی‌توان قالب مکتوب آنرا اسم از صورت مذاکرات، گزارش، دروس ماشین شده، کتاب، نادیده انگاشت. ارتباط ادبی چون تلفیقی بریدیل بین الزامی امر انتشار و بازتاب تلقی می‌شود. عمل خواندن، حتی بصورت تکثیر شده، در مقابل عمل نوشتن قرار می‌گیرد و می‌توان آنرا به یک نحوه دریافت ساده خلاصه کرد، چرا که ابتکاری را از جانب گیرنده پیام ایجاد می‌کند. خواندن، به این خاطر، یکی از عوامل پیشرفت است.

کتاب پس از آنکه وضع انحصاری سابق خود را از دست داد و از قید و بندهای خویش رست، در زمان ما حکم محور امر ارتباط را پیدا کرده است. ولی بر ماست که کتاب را به شکل جدیدش کشف کنیم.

در کشورهای که مدت‌هاست راه توسعه را پیموده‌اند، نحوه بهره‌برداری از کتاب، هنوز همان نحوه تلقی زمانی است که کتاب ابزار ارتباط دورنی در یک فرهنگ آموزشی و خاص برگزیده‌گان باسواد بوده است. کتاب بعدها عمومیت یافت ولی هنوز و تا مدت‌ها همچنان اسیر اساطیر خود خواهد ماند.

بعکس، کشورهایی که در دهه‌های اخیر به راه توسعه قدم گذاشته‌اند، برای نیازهای فوری اولیه ارتباط جمعی، دیگر به گذشتن از راه دور دراز سند چایی نیازی ندارند. این کشورها که بلحاظ موقعیهای سابق، منافع تثبیت شده، نهادهای موجود، از این بابت مشکلی ندارند، می‌توانند به تناسب منابعشان، به راه حل‌های متری متوسل شوند.

ولی درست درحالی که از «راه میان‌بر» سیمی - بصری بهره می‌گیرند، ضرورت دارد که هرچه زودتر بر کتاب‌نگی کنند زیرا تنها کتاب امکان می‌دهد آنچه را که بدست آمده است، تحکیم کرد و افزایش داد. در اینجا است که مسائل حقیقی مطرح می‌شوند. کشورهای درحال توسعه با کوششی که در راه افزایش آموزشگاهها و سوادآموزی بکار می‌برند، بتدریج موفق می‌شوند وسائل دسترسی بکتاب را تأمین کنند ولی دستگاه تولیدکننده کتاب را در اختیار ندارند.

تجربه نشان می‌دهد که شبکه سیمی - بصری در یک کشور، تابع مستقیمی از افزایش تولید ناخالص ملی است، حال آنکه تأثیر پیشرفت اقتصادی در امر کتابخواندن تا اخیر زیاد آشکار می‌شود و فقط هنگامی کامل می‌گردد که توده کتابخوان آنقدر رشد کرده باشد که بتواند تولیدکنندگان ویژه خود را بسازد.

نتیجه آنکه مسئله کتاب در جهان، نواز نظر کلی بلکه بر حسب هر منطقه، دارای خصیلتی عمیقاً متفاوت است. در برابر نیاز روز-افزون به مواد خواندنی، در جهان، مناطق وسیعی، دچار کمبود و قحطی کتاب هستند. ■



کتاب الکترونیک تلویزیون

سمت راست، در بازار مکاره کتاب درگورکی (شوروی) هزاران جلد کتاب در مقابل پدگان مشتریان گسترده است. این بازار مکاره در ۱۹۷۰، یکی از وقایع جالب هفتاد و پنجاهمین سالگرد این شهر بود (که در قدیم نژنی نووگورون نامیده می‌شد و به یاد ماکسیم گورکی که در آنجا متولد شده بود، تغییر نام یافت). در ۱۹۷۰ تولید کتاب در شوروی به یک میلیارد نسخه یعنی تقریباً ۶ درصد تولید جهانی کتاب رسیده است.

نوشته لئون. ای. ولادیمیرف

نشان می‌دهند که در ۱۹۶۹، اروپا، آمریکای شمالی و شوروی ۷۵ درصد از تولید جهانی کتاب را در دست داشته‌اند و عمده‌ترین سهم متعلق به اروپاست که ۴۵ درصد از عناوین منتشر شده مربوط به آنجاست، در حالی که فقط ۱۳ درصد از جمعیت جهان را دارد. بعکس، آسیا، با ۵۶ درصد از جمعیت جهان، تنها ۲۰ درصد از تولید کتاب بوده است. آمریکای لاتین، ۲ درصد (با ۵ درصد از خوانندگان بالقوه جهان) و آفریقا کمتر از ۲ درصد از تولید جهانی کتاب را داشته‌اند، در حالی که ۱۰ درصد جمعیت در آن نواحی بسر می‌برند.

از میان بردن کمبود کتاب در این قاره‌ها، بخش مهمی از هدف کلی محسوب می‌شود که در جهت از بین بردن عقب‌ماندگی اقتصادی و فرهنگی است.

در این شرایط آیا می‌توان از «غروب» اوراق چاپی و کتاب سخن گفت؟ کاهش تولید کتاب در فرانسه، از ۱۹/۲۸۹ نسخه در ۱۹۶۶ به ۱۸/۶۴۶ نسخه در سال ۱۹۶۸، و از ۱۰/۵۹۳ نسخه به ۸/۸۶۸ در ایتالیا، و افزایش این تولید از ۲۸/۲۸۹ به ۳۱/۳۷۲ نسخه در انگلستان و نیز از ۲۲/۷۲۵ به ۳۰/۲۲۳ نسخه در آلمان را جز آنکه ناشی از اوضاع و احوال اجتماعی بدانیم، چگونه می‌توان توجیه کرد؟ البته در کشورهای توسعه یافته غرب که انتشار کتاب در آنها به سطح بالایی رسیده است، افزایش تولید سرعتی کمتر دارد تا در کشورهای که برای رشد اقتصادی کوشش خود را مضاعف کرده‌اند (مثلاً در کوبا بین سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۶۸ تولید کتاب ۲۵ درصد و در سیلان ۳۰ درصد افزایش داشته است و غیره). معذک حتی در کشورهای پیشرفته انتشار کتاب به حد اکثر خود نرسیده و هنوز تا ارضای خواسته‌ها راه درازی در پیش است. بقیه در صفحه بعد

خواهد آمد، و انحصار اوراق چاپی بعنوان وسیله انتقال جمعی اطلاعات، دوره خود را گذرانده است.

در واقع، سینما، رادیو، تلویزیون، ضبط صوت کلاسیک، ویدئو، میکروکپی، الکترونیک، سیمبرنتیک، و سایر اختراعات مهم قرن ما به قلمرویی یورش برده‌اند که تا همین اواخر کتاب فرمانروای مطلق آن بود. با آنکه نیاز روز افزون به خبر، افزایش قابل ملاحظه تعداد نشریات از نوع کلاسیک را طلب می‌کند، در زمان ما، کتابهای بسیار کوچک که از طریق عکس برداری و فتوکپی تولید می‌شوند، و نیز «کتاب صوتی»، به عنوان مکمل کتاب چاپی با موفقیت توسعه می‌یابند.

بسیاری کسان در کوشش خود برای تعیین جهت تحول کتاب در زمان ما، بی قید و شرط از کتاب سنتی دفاع می‌کنند و هر نوع پدیده جدید را نفی می‌کنند. برخی دیگر مرگ کتاب را در آینده نزدیک پیش‌بینی کرده‌اند یا دست کم کاهش تدریجی اهمیت کتاب و تنزل بازار کتاب را نزدیک می‌بینند، و غیره. نه آنان حق دارند، نه اینان. آمارهای مکرر که حاکی از افزایش مداوم انتشار کتاب در جهان است، برپیش‌گویی‌های بدبینانه خط بطلان می‌کشند. برطبق ارقام یونسکو، تولید جهانی کتاب بین سالهای ۱۹۵۵ و ۱۹۶۸، از ۲۸۵/۰۰۰ عنوان به ۴۸۷/۰۰۰ عنوان افزایش یافته است.

با وجود این، تجزیه و تحلیل حجم جمعیت یک منطقه نسبت به نقشی که این جمعیت در تولید کتاب بازی می‌کند، نشان دهنده اختلافات فاحشی در این زمینه، در جهان است. مثلاً جمعیت شوروی ۶/۸ درصد جمعیت جهان است ولی ۱۵/۶ درصد تولید جهانی کتاب را در دست دارد. تازه‌ترین ارقامی که یونسکو بدست آورده

مارتین لوتر اصلاح طلب بزرگ گفته بود که چاپ «به تعبیری رهایی دوم نوع بشر است، رهایی از جهل» و سیه‌یس «Sievés» عقیده داشت که چاپ «سرنوشت اروپا را بکلی دگرگون کرده است و تمام کره زمین را تقییب خواهد داد».

در پرتو فن چاپ، تولید جهانی کتاب، قرن به قرن با آهنگی افسانه‌یی افزایش یافت. اگر در اروپا، طی نیم قرن هنر حروف‌چینی تا سال ۱۵۰۰، به زحمت ۳۰/۰۰۰ عنوان کتاب بطبع رسید - و این تعداد نسبت به زمانی که کتاب با دست نوشته می‌شد، فزونی عظیم بشمار می‌رفت، در قرن شانزدهم این تعداد به ۲۵۰/۰۰۰ رسید. در قرن نوزدهم، تولید کتاب از ۲ میلیون عنوان فراتر رفت. طبق محتاطانه‌ترین پیش‌بینی‌ها، طی قرن بیستم این رقم به ۲۵ میلیون خواهد رسید. در شوروی، تنها در ۱۹۷۰ تعداد نسخه‌های چاپ شده کتاب (۱/۳۰۹/۶۰۰/۰۰۰) بیش از مجموع کتابهای چاپ شده در اروپا طی ۱۵۰ سال اول چاپ کتاب بوده است.

با توجه به این افزایش برق‌آساست که برخی از کارشناسان آن را «انفجار» انتشارات نامیده‌اند. معذک هرچند این امر متضاد بنظر آید، برخی اعلام می‌کنند که کتاب آخرین مرحله شکوفایی خود را می‌گذراند، و بزودی بحرانی عمومی در امر انتشار کتاب بوجود

لئون ایوانویچ ولادیمیرف (L. I. Vladimirov) مدیر شوروی، متخصص کتاب و کتابداری، مدیر کتابخانه دانشگاه ویلینیوس (جمهوری لیتوانی) است. او از سال ۱۹۶۴ تا سال ۱۹۷۰ مدیر کتابخانه داکت هامرشولد در نیویورک بود. لئون ای. ولادیمیرف، دبیر کمیسیون تربیت حرفه‌یی در فدراسیون بین‌المللی انجمنهای کتابخانه‌ها، صاحب مطالعات و بررسی‌های متعدد درباره تاریخ کتاب و کتابخانه‌ها و مسائل کتابشناسی است.

«هرگز جریان برق، قدرت برقی را که در واژه چایی است داران خواهد شد»

کامیابیهای آینده بشر در زمینه تعلیم و تربیت، یکی از عوامل توسعه بازار کتاب است. در حالی که بموجب ارقام یونسکو، از ۲ میلیارد و ۲۲۵ تن بزرگسالان جهان، ۸۰۰ میلیون هنوز بی سوادند، چگونه می توان از اشباع بازار کتاب سخن گفت؟ این بی سوادان در حکم زمین دست نخورده می هستند که باید در آینده بویژه با کتاب در آن بذر دانش افشانند.

تعداد راههای پخش خیر و فرهنگ، مشخصه قرن ماست. معذک این فراوانی، باعث ایجاد مسائل و عدم تعادلهایی می گردد، مخصوصاً اگر توسعه یکی از این راهها، باعث «بستن» راههای دیگر باشد.

در اینجا من نمی خواهم درباره ارزش قابل ملاحظه رادیو و تلویزیون بلحاظ فرهنگی، بویژه در کشورهای در حال توسعه تردید کنم. آشکار است که در این سرزمینها، کتاب و مطبوعات نمی توانند پیش از زمانی طولانی، بوساائل ارتباط جمعی مبدل شوند، چرا که گروه عظیمی (۷۵ تا ۹۵ درصد) از اهالی این کشورها بی سوادند. روزنامه، مجله و نیز کتاب فقط می توانند قشر نازکی از روشنفکران را مخاطب قرار دهند. رادیو و تلویزیون است که وسیله ارتباط جمعی محسوب می شوند.

معبداً در این کشورها، با توسعه آموزش مقدماتی و بهبود سطح تقاضا، اهمیت کتاب بیشتر خواهد شد. کتاب پایه یی است که فرهنگ یک ملت بر روی آن بنا می شود. سایر وسایل ارتباط جمعی حتی اگر مثل تلویزیون پیشرو هم باشند، فقط می توانند به تکامل فرهنگی مدد کنند.

ج. ای. مریورگو «J. E. Morpurgo» مدیر انجمن ملی کتاب در انگلستان، در نطقی که در ۱۹۶۸ در برابر شورای عمومی فدراسیون بین المللی انجمنهای کتابداران ایراد کرد، اظهار داشت خطری که «از خارج» کتاب را تهدید می کند، زیاده از حد باعث ناراحتی آن نیست.

«من طی زندگی خود پنج بار شنیدم که می گفتند دوران کتاب بسر آمده است، بار اول هنگامی که سینمای صامت بوجود آمد. بنظر می رسید که بیرون آوردن پیرل وایت Pearl White و ثدا بارا Theda Bara» از زیر چرخهای قطار آهن، به آنها زندگی داده و کتاب را کشته است. سپس به صدای دلپذیر پیانو که به زحمت شنیده می شد، صوت هم اضافه گردید و چنین تصور می رفت که هالیوود، تمام دورنمای آینده کتاب را متزلزل کرده است. بعد، هم زمان با فیلم ناطق، رادیو ظاهر شد، اخبار و سرگرمیها به هر خانه راه یافتند، گمان می رفت که این امر، امکان و میل خواندن را کنار

بزند. و در این اواخر، دو رقیب جدی برای کتاب پیدا شد که عبارتند از تلویزیون و سیرنتیک...»

ج. ای. مریورگو خاطر نشان می کند که «معذک کتاب همچنان باقی ماند، چرا؟ چه چیز بما اجازه می دهد بگوئیم که علیرغم توسعه سایر وسایل مؤثر ارتباط فکری، کتاب نه تنها بر جای خواهد ماند و مقام خود را بعنوان «یکی از مهمترین عوامل پیشرفت بشر» حفظ خواهد کرد، بلکه این نقش را در آینده وسعت خواهد داد؟

نخست این امر که هیچ یک از وسایل جدید فنی، قادر نیست بطور کامل جانشین کتاب بعنوان منبع خبر شود. رادیو و تلویزیون را می توان شیوه های «خبری فوری و لحظه ای» نامید، تأثیر آنها بلافاصله پس از ختم برنامه تمام می شود. کتاب یک وسیله خبری ثابت است و در حکم انبار عظیمی است که می توان هر لحظه و به هر مقدار که لازم باشد، از آن بهره جست.

بر اثر تحقیق و تتبع معلوم شده است که امکانات شیوه های مختلف ارتباطی، برحسب خصیصه و درجه پیچیدگی خبر کاملاً تغییر می کند. وقتی خبر ساده است، در بهترین شرایط از راه شفاهی (از جمله از طریق رادیو و تلویزیون) اخذ می شود. تلفیق صوت و تصویر در عرضه کردن اخبار و اطلاعات مترکام، نتایج بهتری می دهد.

اما هنگامی که خبر بسیار پیچیده است، صفحه چاپ شده همراه با تصویر، مفیدترین وسیله است علاوه بر آن کتاب معمولی به هیچ دستگاه فرستنده یا بازگو کننده یی که برای «کتاب صوتی» یا میکرو کتاب لازم است، نیازی ندارد. باید گفت که خواندن، روند جذب خبری است که از شنیدن بر مراتب سریعتر تحقق می پذیرد (حتی بی آنکه از شیوه نو قرائت سریع استفاده شود) و بعد جنبه زیبایی شناسی قضیه را هم نباید فراموش کرد. ما از خواندن کتابی که یک اثر پر کیفیت در هنر نویسندگی باشد، چقدر لذت می بریم.

بهبودهای فنی چنان توسعه یی در امر انتشار بوجود آورده اند که از پاره یی جهات بشریت اکنون در وضع شاگرد جادوگر گوته قرار گرفته است که می توانست روح را احضار کند ولی قادر به تسلط بر آن نبود. کتابخانه ها پیش از همه با این سیل انتشارات که ابعادی فاجعه بار بخود گرفته است و نیز با مسائل پیچیده ناشی از آن درگیر شدند.

از سال ۱۹۴۴، فرمون ریدر «Frémont»

«Rider»، مدیر کتابخانه دانشگاه وسلی (آمریکا) این خطر را خاطر نشان ساخت: او نوشت «کتابخانه دانشگاه ییل در سال ۲۰۴۰، نزدیک به ۲۰۰ میلیون جلد کتاب خواهد داشت که به بیش از ۱۰۰۰۰ کیلومتر فسه احتیاج دارد. اگر قرار باشد همین شیوه فهرست بندی ادامه یابد، ۷۵۰۰۰۰ برگردان برای جادادن کارتها لازم است که سطحی بیش از ۳۲ هکتار را اشغال خواهد کرد. هر سال ۱۲ میلیون جلد کتاب به آنجا وارد خواهد شد و ثبت آنها کار یک عده ۶۰۰۰ نفری است.»

البته ریدر کمی اغراق کرده است، ولی مسئله در خورمداقه است، حتی اگر سرعت توسعه مخازن نصف این مقدار باشد. تنها راه حل ریدر، شیوه میکروکی است. امروزه استفاده از میکروکی در کتابخانه ها کاملاً متداول است. تمام مخزن مطبوعاتی کتابخانه داگهامرشولد (نیویورک) از میکروفیلم تشکیل شده است و در ۱۹۶۹ تپیه میکروکی از اسناد سازمان ملل شروع شد.

اغلب کتابخانه های علمی و تخصصی نیز از روش میکرو کتاب استفاده می کنند. این امر مشکل اساسی جارا حل می کند، مدت حیات انتشاراتی را که روی کاغذ عادی چاپ شده اند، می افزاید، امکان می دهد که مخازن را با انتشارات منحصر بفرد کامل کرد، هزینه ارسال را برای اشتراک بین کتابخانه ها تقلیل می دهد و بسیاری مزایای دیگر همراه دارد.

معذک اعتقاد عمیق بر آنست که «جمعیت اضافی» دنیای کتاب و مخازن کتابخانه ها «مسئله شماره یک» محسوب نمی شود بلکه اشکال عمده در آن است که بشریت از اخبار علمی و فنی اشباع شده است. الکساندرن. نسیمیاف «Nes Meyanov» عضو فرهنگستان شوروی، با آوردن مثالی از شیمی، تمام پیچیدگی مسئله توسعه اخبار و اطلاعات را به نحوی قانع کننده به اثبات رسانده است. «برطبق اطلاعات تقریبی، بنظر می رسد در جهان بیش از ۱۰۰۰۰ نوع مجله وجود دارد که بکار شیمی دانان می آید. هر سال این مجلات دست کم ۲۰۰۰۰۰ مقاله درباره شیمی یا تکنولوژی مخصوص این رشته منتشر می کنند. علاوه بر آن در جهان ۵۰۰۰ کتاب و بیش از ۳۰۰۰۰ جزوه منتشر می شود که نزدیک به ۲۰۰۰۰ آن جزوه های علمی و فنی است که دست کم تاحدی با شیمی ارتباط دارد... اگر یک شیمی دان در اول ژانویه شروع به خواندن تمام نشریاتی کند که طی سال بطبع می رسند و از نظر کارو حرقه برای او جالبند، در روز ۳۱ دسامبر، فقط یک بیستم مجموع این انتشارات را خوانده است.»



Photo © André Kertész, New York

آرایش قفسه‌های کتابخانه‌های عمومی، تکثیر این نوع کتابخانه‌ها و بهبود تسهیلات آنها، شرایط اساسی برای قراردادن کتاب در اختیار همگان است، در این زمینه یونسکو از افزودن بر کوشش خود طی بیست و پنج سال گذشته دریغ نکرده است: یورسپای مطالعاتی، تشکیل سینارها و دوره‌های آموزشی، ایجاد مراکز اطلاعاتی در داکار (سنگال) و کامپالا (اوغاندا)، ایجاد مؤسسات نمونه مثل کتابخانه عمومی دهلی (هند) و نیجریه وساحل عاج و کلمبیا. در عکس بالا زولین کن «Julien Cain» رئیس کمیته ملی سال بین‌المللی کتاب در فرانسه و رئیس کمیسیون ملی یونسکو در آن کشور که مدت ۴۴ سال مدیر کل کتابخانه ملی پاریس بود، در دفتر کار خود دیده می‌شود.

کتاب سنتی همچنان نقشی مهم در روند تکنولوژیک این «کارگاه‌های خیری» بازی خواهند کرد. اما در کتابخانه‌های فرهنگی و آموزشی، یقیناً کتاب مثل گذشته نقشی تعیین کننده خواهد داشت.

در اتری برشور علیه بدبینانی که گمان می‌برند دوران پیشرفت فنون بزودی، بعمر کتاب خاتمه خواهد داد. استفان زویاک چنین نوشت: «تاکسون هیچ منبع انرژی نتوانسته است توری قابل قیاس با آنچه گاه از یک جلد کتاب کوچک ساطع می‌شود، ایجاد کند و هرگز جریان برق قدرت برقی را که در واژه چاپی است، دارا نخواهد شد. نیرویی که همواره تازگی دارد، فناپذیر و خارج از زمان است، متراکم‌ترین نحو و کاملترین و متنوعترین اشکال را دارد، کتاب است. به این ترتیب آیا کتاب باید از فن پترسد؟ آیا به کمک همین کتاب هانیست که فن پیشرفت می‌کند و توسعه می‌یابد؟ در همه جا کتاب، القاب منع اصلی همه دانشهاست.»

میزهای کوچکی با تکه‌های فرمان دارد و دیکتافونهایی برای گرفتن سفارش اسناد و اخبار، و دستگاههای ارسال پیام برای رساندن اسناد و اخبار به میز کوچک خواننده، برده‌های انفرادی بادیکتافون‌های الکترونیک که امکان می‌دهند خواننده از محتویات اسناد مطلع شود، و حتی اگر خواننده با زبان این اسناد آشنا نباشد، تکه‌هایی برای ترجمه فوری در اختیار خواهد داشت.

برحسب این نوع پیشرها، کتابخانه‌های آینده باید با کتابخانه‌های امروزی فرق داشته باشد. اساس اعتبار آنها، بعقیده دارندگان چنین پیشتی، شناسایی ماشین‌ها خواهد بود. حال آنکه مسئله عمده کتابداران کنونی، شناختن کتاب، بررسی نیازهای خوانندگان و پاسخ به این نیازهاست.

در کتابخانه‌های علمی و تخصصی، جای شک نیست که کتابهای سنتی تاحدی جای خود را به سایر منابع خیری خواهند داد. معذک

فقط ماشینهای حسابگر می‌توانند مسائل بسیار پیچیده ناشی از سازمان دهی کتابخانه‌ها را حل کنند، تجربه شخص من بعنوان مدیر کتابخانه سازمان ملل متحد، در نیویورک مرا در این اعتقاد راسخ‌تر ساخت که فقط به کمک ماشینهای حسابگر می‌توان مسئله فهرست‌بندی اسناد و انتشارات سازمان ملل متحد را که تا آن زمان لاینحل مانده بود، حل کرد.

معمداً پراز آنکه متوجه قدرت وامکانات فن الکترونیک شدم، دیگر نمی‌توانم موافق با عقیده کسانی باشم که از واقعیت بکلی دورند و اعلام می‌کنند که کتابخانه‌های آینده، کتابخانه‌هایی بدون کتاب و حتی بدون کتابدار خواهند بود.

مثلا می‌گویند که این کتابخانه‌ها مملو از مراجعه کننده خواهند بود و نه پر از کتاب، چرا که کتاب به شکل سنتی خود باقی نخواهد ماند. یاینکه آنها بصورت آزمایشگاههایی در خواهند آمد که بجای میز قرائت،

نوشته مارشال مک لوهان

وقتی در اروپا، گوتنبرگ شکلی واحد، معین، وقابل تجدید دائم به نسخه خطی دار، دستگاه فلسفه اسکولاستیک شفاهی را برچید و حفظ آثار نویسندگان خرافه‌گرای باستان را ممکن ساخت. هر بار که فن تازه‌یی بوجود می‌آید، فن ما قبل خود را کنار می‌زند و در عین حال شکلی بسیار قدیمی‌تر از تجربه را دوباره برقرار می‌سازد. در آن هنگام که کتشی جدید کلمه‌ها بعنوان مواد بصری، جانشین منابع کهن شفاهی می‌شد، کلمه‌ها در یک جهت «عینی» جدیدی، ارزش منابع و ماخذ بصری را پیدا کردند.

جهان طنین و تراکم در سطوح مختلف که مشخصه نهادهای شفاهی بود و تفسیر کتب مقدس و کتاب بزرگ طبیعت براساس آن انجام می‌گرفت، در برابر یک نیروی بزرگ و مقاوم بصری، ناگهان خاموش شد. شیوه‌های جدیدی از تسلط عقلانی جانشین‌طین کهن و گرایشهای آن بسوی زمینه‌های سحر و استحاله گشت. مثلاً در «اوتوبی» توماس مور،

در ۱۵۱۲، هینلودی Hythlodaye فلسفه اسکولاستیک را که زبوزوال می‌رفت چون مقوله‌یی شفاهی تلقی می‌کند و آنرا از اشکال جدید گفتار، که با بازگشت به نویسندگان قدیمی ظاهر شده است، متمایز می‌سازد.

فلسفه اسکولاستیک شما برای جمع‌دوستان، در کارهای خانوادگی، نامطبوع نیست، اما در شوراها سلطنتی که قرار است مسائل مهم با قدرت کامل مورد بررسی و مباحثه قرار گیرند، این چیزها جایی ندارند... چون فلسفه نظری محض همه چیز را در همه شرایط مناسب می‌داند. اما فلسفه دیگری هم هست که سنن و رسوم را قابل انعطاف‌تر می‌کند و بقول شما زمینه خود را خوب می‌شناسد، و بنابراین، در نقشی که باید برعهده داشته باشد مراقب خود هست و برطبق

مارشال مک لوهان (Marshall McLuhan) مدیسر مرکز فرهنگ و تکنولوژی دانشگاه تورنتو (کانادا) است. وی متصدی کرسی آلبرت انشتین در دانشگاه فوردهام در نیویورک است. علاوه بر اثر مشهور او بنام «منظومه گوتنبرگ»، (انتشارات Mame، پاریس، و انتشارات H.M.H.، لته، مونرال) باید از «پیام و ماساز» که با همکاری کانتن فیور و ژرم آنزلنگاشته است (از انتشارات J. J. Pauvert، پاریس) و «فهم و وسایل ارتباطی» نام برد.

مارشال مک لوهان مخصوصاً متعاقب انتشار اثر خود موسوم به «منظومه گوتنبرگ»، در سراسر جهان شهرت یافت و ضمن آن زوال زبان مکتوب و غلبه و سایل سمعی و بصری را چون یکی از تغییرات ناگهانی بزرگ در جامعه نو، پیش‌گویی کرده است. این متفکر کانادایی بمناسبت سال بین‌المللی کتاب عقاید خود را در مقاله زیر که اختصاصاً برای «پیام یونسکو» نوشته شده است، شرح داده است. در ضمن ما از نویسندگان بزرگ آلبرت تومراویا (ایتالیا) و آلده کوکارسانتیه (کوبا) تقاضا کردیم که نظریاتشان را درباره سرنوشت کتاب در جهان امروز برای خوانندگان ما بیان کنند (به‌مقالات صفحات ۲۳ و ۲۴ رجوع کنید). علاوه بر آن مقاله‌یی (در صفحه ۳۰) از ی. و. لاکشمانارائو (هند) کارشناس نامدار وسایل ارتباطی درج کرده‌ایم که همین مسائل را در افق آینده جوانان جهان در حال توسعه، مورد بررسی قرار داده است.

حق مؤلف محفوظ و نقل مطالب این مقاله ممنوع است

گرددیده است.

در مورد کتاب، جهان و وسایل مشارکت خواننده بعنوان یکی از پدید آورندگان اثر، و مشارکت شنوندگان بعنوان بازیگر، مربوط به شکل تمثیلی و منقطع در شعر، نقاشی، موسیقی، مطبوعات، داستان و تئاتر بوده است. تکه‌تکه کنار هم چسباندن که در عرصه روزنامه‌نگاری امری اجتناب‌ناپذیر است (درحدی که روزنامه‌نگاری مثلاً از طریق وسایل تلگرافی عمل می‌کند) تمام دنیا را در یک لحظه معین بما عرضه می‌دارد و خوانندگان جهان را بطور روزمره قربانی شرکت در ساختن خبر می‌کند.

با وسایل خبری الکتریکی، اشکال گفتار و سازمان اجتماعی که در قدیم بهم پیوسته بودند، بتدریج جای خود را به طرحهای ساده غیر متمرکز و منقطع دادند. بازار که مظهری از واقعیت صنعتی تولید «ادوات فلزی» بود، بهمان گونه که اطلاعات و اوراق بهادار جایگزین سکه و طلا شد، پیش از پیش روشنتر و شفافتر گشت.

چاپ، دست نویسی را از اعتبار انداخت. معذک در وضع حاضر بسیار بیشتر با دست نوشته می‌شود تا پیش از اختراع چاپ. از اعتبار افتادن، به معنای از میان رفتن خط نیست، بلکه زهدانی است که نوآوری را می‌پروراند و به همین مناسبت به اشکال متعدد نوینی شکفته شده است، از جمله به شکل ماشینی نویسی همان‌سان که اطلاعاتی که در کتاب چاپی بود با ظهور عکس، فیلم و تلویزیون پشت سر گذاشته شد، و کتاب به‌طور منظم با اشکال دیگری از تصاویر بصری درهم آمیخت و به اشکال نوین بسیاری درآمد.

خود کتاب جیبی که انقلابی در عادات خواندن به‌وجود آورد با این انقلاب برخی تمایزات سنتی بین روشنفکران و گروههای بی‌فرهنگ را از میان برداشت. بنظر می‌رسد که اساس این انقلاب، جانشین شدن ته‌دوژی کتاب بوسیله چسب بود. «Xerographie» (نحوه مستقیم‌چاپ، عکس‌برداری و فتوکپی اسناد و تصاویر)، کتابخانه‌های میکروفیلم، پلی‌بین جهان کتبی و دنیای شفاهی بوجود آورده‌اند. اغلب مشاهده شده است که شخص با فرهنگ کسی است که در زمان کودکی برایش باصدای بلند کتاب خوانده‌اند.

در زمانی که طریقه چاپ بدون تماس و فنون الکترونیکی برای تقلید از چاپ، جهان کتاب را در میان گرفته‌اند آیا لازم نیست نکاتی چند درباره گذشته، حال و آینده کتاب باآوری شود؟ سخن گفتن از کتاب بعنوان

قواعد خود عمل می‌کند، و این نقش را به نحوی مناسب و مطبوع، و بی‌آنکه چیزی بگوید که منطبق بر نظم و عادت نباشد، ایفا می‌کند.

به یقین فلسفه اسکولاستیک شکلی از گفتار بوده که شایسته دوران جدید تلقی نمی‌شده است. این فلسفه نه بعلت محتوی یا معنای خود، بلکه به این علت محکوم بشکست شد که مباحثه‌یی مبتنی بر پی‌گویی و نقل جزئیات بشمار می‌رفت و همه چیز را در هر لحظه در نظر می‌گرفت. در گفتگوی دوستانه، طبیعی است که انسان رشته بحث را قطع کند و از اینجا و آنجا سخن بیان آورد. در این نوع مبادله شفاهی، نظریه‌های گوناگونی در هر مورد، در آن واحد مطرح می‌شوند. بین افراد نزدیک، موضوع به نحوی سریع و از تمام زوایا مورد گفتگو قرار می‌گیرد، چرا که مفاهیم و ملاحظات کلاسیک از راه حافظه بر سر همه زبانهاست.

لازمه این شکل شفاهی، شناسایی‌های دایره‌العارفی است نه شناسایی تخصصی. با پیدایش امر چاپ، تخصص توسعه یافت چون فرد خواننده می‌توانست بی‌آنکه نیاز به همراهی یا تفسیرهای گروهی از هم مسلکان یا مخالفان داشته باشد، با سرعت تمام و با کوشش شخصی در تمام شهرهای صنعت چاپ پیش برود.

کریستوفر وردسورث «Christopher Wordsworth» در اثر خود تحت عنوان: دانشگاه قرن هجدهم، اظهار می‌دارد هنگامی که دیگر برای امتحان کنندگان ممکن نبود آهنگ خواندن و مطالعه انفرادی شاگردان خود را تعقیب کنند، امتحانات کتبی به کمبریج راه یافت. از آنجا که کتاب ارزاتر بود، موقع شناس‌ترین و تیزترین هوش‌ترین دانشجویان می‌بردند که می‌توانند به تنهایی معلوماتی کسب کنند و حال آنکه تسلیهای قدیم به آموزش شفاهی وابستگی داشتند.

امروزه که در دوران برق بسیار پیشرفته‌ایم، اعتبار مشاهده عینی و اندازه‌گیریهای کمی در مقابل واقعیات فیزیکی کوانتا که در آن حوادث از طریق «حدفاصل طنین» هایزینبرگ Heisenberg و لینوس پاولینگ «Linus Pauling» بهم ارتباط پیدا می‌کنند، از بین رفته است.

با پیدایش تلگراف، تلفن، رادیو و تلویزیون بعنوان وسایل خدماتی، روابط کاملاً جدیدی بین شبی و تصویر آن برقرار شده است. در علوم و داستان، در هنر و در سیاست، درگیر شدن شنونده در تمامی جهات جریان اجتماعی، به امری قطعی و مقاومت‌ناپذیر بدل



Photo © "Le Surréalisme" Paris

گذشته و آینده

کتاب

۱۷

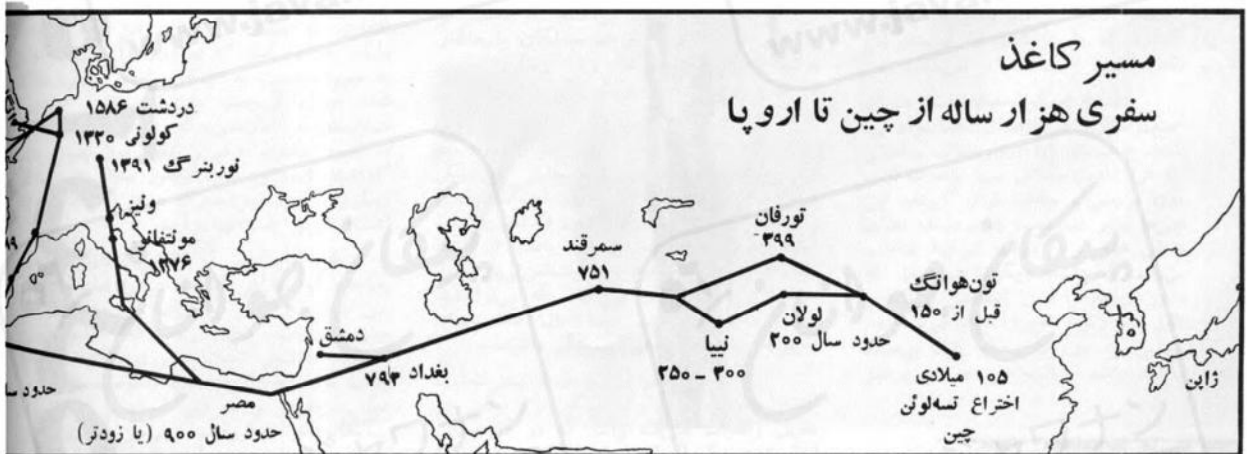
آثار تلویزیون، رادیو، سینما: مارشال مک لوهان می گوید «وابستگی متقابل جدید الکترونیک، جهان را بصورت یک دهکده جامع درآورده است». بنظر می رسد که این نقاشی سالوانوردالی به نام «چهره بارانویک» (که در جهت عمودی یک چهره و در جهت افقی گروهی از روستاییان را نشان می دهد)، تجسم همین تغییر ناگهانی است.



«سوترای الماس» نخستین کتاب چاپی واقعی است که تاکنون شناخته شده است (تصویر بالا). این کتاب عبارت است از یک متن بودایی، که بسال ۸۶۸ میلادی بطبع رسیده است. این کتاب در ۱۹۰۷، در یکی از اطرافهای مخفی، درون یکی از غارهای تون‌هوانگ در شمال غربی چین کشف شد و در میان ۱۵/۰۰۰ نسخه خطی کتابخانه تون‌هوانگ که از آن پس اشتهار یافت، قرار داشت. این کتابها نزدیک به ۹۰۰ سال در این محل محبوس بودند، یعنی یک قرن پیش از آنکه برای نخستین بار کاغذ در اروپا بوجود آید. «سوترای الماس» که توسط وانگ‌شی به بیجاپ رسید، از هفت برگ چسبیده به هم ترکیب یافته که طولی ۴/۹۰ متر و قطر ۵/۴ متر را تشکیل می‌دهد. این کتاب که کاملاً محفوظ مانده است، یکی از شاهکارهای فنی ناشی از یک تحول طولانی است. سمت چپ، حروف مطبوعه‌ی متحرک که در قدیم در سرزمین کره ریخته می‌شد و شباهت به حروفی دارد که در ابتدای قرن یازدهم برای نخستین بار در این کشور بدست آمد.



Photo American Museum of Natural History, New York

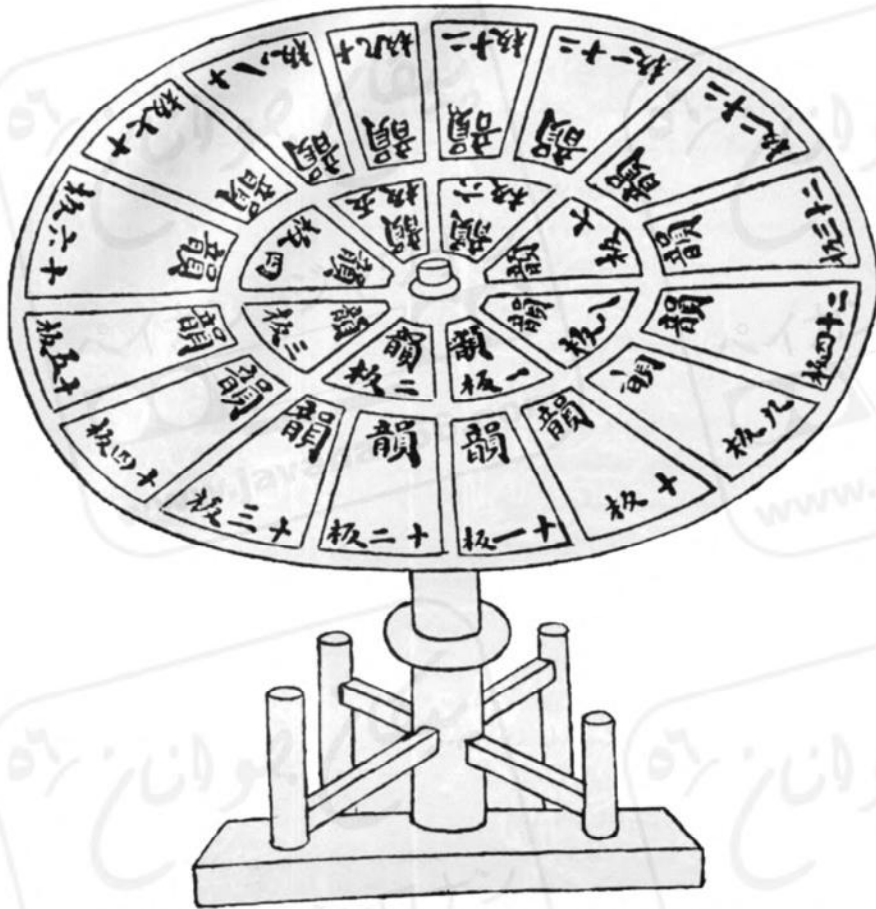


Map © from "The Invention of Printing in China and its Spread Westward" by Thomas Francis Carter, Columbia University Press, New York, 1925.

کاغذها، در ابتدای دوران ما، از پوست درخت توت، رشته‌های شاهدانه، و پارچه‌های کهنه استفاده می‌شد، اما خیلی پیش از آن، در چین ماده کاملاً جدیدی بکار می‌رفت که منشأ کاغذ محسوب می‌شود، و از جوشاندن پارچه‌های ابریشمی بدست می‌آمد. اما از آنجاکه برای پختن وسیع، این شیوه بسیار پرخرج بود، کم‌کم موفق به اختراع کاغذ واقعی شدند.

این نقشه، طرح ساده‌ی است از پیشروی صنعت کاغذسازی به سمت باخترزمین، از بلو اختراع آن در چین در ۱۰۵ میلادی، تا استقرار آن در اروپا، در هزار سال بعد. ارقامی که در نقاط مختلف این خط‌سیر دیده می‌شود، تاریخ بکارافتادن نخستین کارگاه کاغذسازی در هر یک از این نقاط است. تصویری که در سمت چپ است، یک کارگاه کاغذسازی چین را نشان می‌دهد، و رفهای کاغذ را برای خشک‌شدن، بطور عمودی قرار می‌دادند. برای ساختن نخستین

چاپخانه در چین، مدتها پیش از گوتنبرگ



نه در اروپا، بلکه فرنا پیش از آن در چین، کاغذ، چاپ و حروف چاپی متحرك اختراع شد. قدیمترین کتاب چاپی شناخته شده (عکس سمت راست)، در ۸۶۸ میلادی در چین، توسط شخصی به نام وانگشی به چاپ رسید، که در واقع قدیمترین حروف چینی است که تاکنون در جهان شناخته شده است. این کتاب که عبارت از یک متن بودایی است بشیوه حکاکی روی چوب چاپ شد. در این شیوه، هرصفحه از متن توسط یک صفحه چوبی کنده شده به چاپ می‌رسید. کار چاپ در قرن دهم، توسط فنک تاو باوج رونق رسید و نام این شخص در مشرقزمین همانقدر مشهور است که نام گوتنبرگ در اروپا. اما چاپ با حروف به معنای اخص کلمه با استفاده از حروف متحرك، که گوتنبرگ، کوستر و دیتگران را در قرن پانزدهم به اشتهار رساند، چهار قرن پیش از آن یعنی در حوالی سال ۱۰۴۵، توسط یک چینی به نام یوشنگ اختراع شد. او با گل‌رس پخته حروف متحرك می‌ساخت. کمی پس از آن، چینی‌ها حروف متحرك را با قلع، چوب، برنز و غیره درست کردند. کره و ژاپن این حروف را فراوان بکار می‌بردند. فرمانی از نای‌توئنگ پانشاه کره، به تاریخ ۱۴۰۳ وجود دارد که در آن دستور داده شده است که برای چاپ متون، حروف کره‌یی را بر روی مس حک کنند. هنگامی که چاپ در اروپا ظاهر شد، دست‌کم سه کارگاه‌حروف‌ریزی به‌خرج دربار کره در این کشور بوجود آمده بود. اگر ینگویم کاغذی که توسط نسای‌لون در ۱۰۵ میلادی اختراع شد، هزار سال پیش از شناخته‌شدنش در غرب، در چین مورد استفاده قرار گرفته بود، بی‌شک برده که تاریخ کتاب تا چه حد مدیون چین است.

این میز گردان توسط یوشنگ برای قراردادن حروف چاپی متحرکی ساخته شد که او در حوالی سال ۱۰۴۵ میلادی اختراع کرد. حروف در ۲۴ خانه، (۸ خانه مرکزی و ۱۶ خانه محیطی) قرار می‌گرفت. این میز که از چوب سبکی ساخته شده است ۳/۱۵ متر قطر دارد. حروفچین بین دو میز می‌نست و آنها را می‌چرخاند تا حروف دلخواه در مقابلش قرار گیرند. وانگشی به حروفچین چینی که در ۱۳۱۴، تاریخچه‌یی از حروف متحرك نوشت، این میز را توصیف کرده است.

Drawing from "Science and Civilization in China" by Joseph Needham, Cambridge University Press, 1965



ست چپ یک ورق بازی باستانی که در نزدیکی نورفان در ایالت سین-کیانگ واقع در شمال غربی چین پیدا شده است. این ورق که در حوالی سال ۱۴۰۰ چاپ شده است، به ابعاد ۹/۵ × ۴/۵ سانتیمتر می‌باشد. ورق بازی، احتمالاً یکی از مشتقات طاس است. تبدیل طاس به ورق مقارن با تغییر طومار دست‌نویس به کتاب ته‌نویز شده، در اواخر قرن دهم وقوع یافته است.



گذشته و آینده کتاب (بقیه)

فن سخت افزار (Hardware) بی جا نیست در وضع حاضر تکنسین‌های ماشینهای حسابگر نقش خود را چون نوعی نرم افزار (Soft ware) تلقی می کنند. البته جهان سخت‌افزار خصلتی کاملاً متمایز از جهان نرم افزار دارد.

اریک هاولوک (E. Havdlock) در کتاب «مقدمه‌یی بر افلاطون» موضوع گذشتن از سنت شفاهی به سنت کتبی را در یونان باستان مورد بررسی قرار داده است. کتاب «مقاله قصه‌ها» اثر آلبرت لرد (A. Lord) ماکمل کتاب هاولوک محسوب می‌شود. به این معنی که مشخصات سنت شفاهی را نسبت به ادبیات تعریف می‌کند. جان-مک کزلی در کتاب «شمشیر دولبه» نوعی دوگانه‌گی مشابه آن را در جهان نوبسندگی تشخیص می‌دهد. (چند روز پیش ضمن کاوش در یکی از بررسی‌های ادبیات روحانی پیبود، بشگفت آدم که روحانیون پیبود در قدیم، نه‌داود را می‌شناختند و نه مزامیر او را، زیرا داود فقط یک آوازخوان بود و نه یک نویسنده.)

«تاریخ، آنطور که به آواز خوانده می‌شود» به پیچ‌وچ شباہت به تاریخی که می‌نویسند یا به ادبیات ندارد. در نوشته‌های هومر ترتیب زمانی، آینده و گذشته وجود ندارد. همه چیز در زمان حال است. شفاهی است. و برقی است. در زمان ما و زود به سنت شفاهی باشیوه‌های مردم شناسی، ما را به تجدیدنظر در تصویر و تعریف خود از «فرهنگ» واداشته است. ژاک-اول (J. Ellul) در «تاریخ تبلیغات» خود، پس از بررسی تعاریف مختلف و ممکن چنین نتیجه می‌گیرد که تبلیغات، جامعیت یک فرهنگ در حال عمل است.

خانم و آقای اوپن (Opic)، در کتاب خود به نام دانستنیها و زبان کودکان مدرسه ثبات حیرت‌انگیز و همگونی بازیهای کودکان از قبیل شوخی‌ها و شیطنت‌ها راز بلفاست تامیلون، از تورنیویا بوریول مورد بررسی قرار داده‌اند. این فرهنگ شفاهی که آنان مطالعه کرده‌اند، عبارت است از مطالبی که کودکان به کودکان دیگر یاد می‌دهند. این فرهنگ بهیچ وجه ارتباطی به تصنیفهای کودکانه و یا داستانهای کودکانه‌یی که بزرگترها حکایت می‌کنند، ندارد.

می‌توان نتیجه گرفت که برخلاف آنچه بنظر می‌رسد، فرهنگ شفاهی دارای ثبات است و خود را حفظ می‌کند. حال آنکه واژه کتبی تابع خواست دوران و دستخوش تغییر است. در «مظلومه گوتنبرگ» مطالب بسیاری در این باره گفته شده است. مثلا دستور زبان «صحیح» یا واژه کتبی شروع می‌شود. در یک فرهنگ شفاهی هرگز کسی مرتکب یک خطای دستوری نشده است. همان‌گونه هیچ کودکی در ترکیب کلام به زبان «غایبانه» اشتباه نمی‌کند.

برای اهل ادب راحت نیست که مجموعه یک فرهنگ را مورد مطالعه قرار دهد. او می‌کوشد تا در رشته‌یی تخصص پیدا کند، و توجه خود را به شیوه‌های بصری بسیار مشخص معطوف دارد. در گذشت زمان که مربوط به آینده است، می‌توانستیم شاهدهی بدینمانه‌تر از اثر هجانای الکساندر پوپ: «کودن» (Dunciade) بیابیم. به نظر پوپ، در نتیجه کبری از آن اثر، فراوانی کاغذ و چاپ که مشخصه زمان اوست، ظاهراً هر نوع فرهنگ جدی و هرونوع سنت را از میان برده است:

«بیهوده، بیهوده زمان فزودندی که همه چیز را در خواب خواهد کرد، فسا می‌رسد، والهه الهام بخش، پیروزی را جشن خواهد گرفت.»

«آمدا آمدا به او رنگ سیاه شب ازل و بی نظمی مطلق جهان هستی نظاره کن! ایروهای زربین و رنگهای گوناگون تخمیل در مقابل آن محو می‌شوند»

«بیهوده است که جوهر وجود سر برافرازد. سنگ آسمانی به زمین می‌افتد و دردم خاموش می‌شود.»

«همچنانکه در برابر صدای هول‌انگیز «مده» ستارگان یکایک، درخشش خود را از دست دادند یا همچنانکه علامت زربتون و مارهای دوگانه عطارد، چشمان دیو صد چشم را یکی پس از دیگری بست؛ همان‌طور هم نزدیکی محسوس او و رازپوشش، از این هنر به آن هنر منتقل می‌شود. هر نوع فکر هنری را تاریک می‌سازد.»

«از هم اکنون حقیقت در جستجوی پناه - گاهی در ماوای باستانی و عمیق خویش، فلسفه، است که در سابق در پی علت اولیه همه چیز بود و امروز فقط (و به نحوی مبهم) جز چند علت قانونی چیزی را نمی‌بیند.»

«فیزیک برای دفاع از خود، از متافیزیک استمداد می‌کند و متافیزیک از شعور مدد می‌خواهد. «مذهب دیگر مایل نیست با پرتو خود باریک‌های غلیظ جهل و فساد را کنار بزند؛ اخلاق که نیازمند شعله مذهب است تا رویت شود، در حال افول است؛ دیگر هیچ توجیحی به اموال عمومی نمی‌شود، هیچ جرقه‌یی از محبت انسانی وجود ندارد و هیچ اثری از عشق الهی نیست.»

«ای نیستی! باز سلطه هولناک توست که مستقر می‌شود. به فرمان تو، نور رنگ باخت و جای خود را به تاریکی سپرد.»

«ای نیستی بزرگ، دست تو پرده را پایین می‌آورد و تاریکی شب بر تمام زمین فرو می‌افتد.»

الکساندر پوپ گمان می‌برد که پرده‌یی از مرکب، در زمان نبوتن همه وجدان انسانی را پوشانده است. چون به گذشته بنگریم، آنچه پوپ پیش‌بینی می‌کرد، پیشرفتی قابل ملاحظه در جهانی که او در حال تلاشی می‌دید، بنظر می‌رسد. در دوران «دیدیشنایی» هنگامی که تلفن کردن به یک کتاب به سادگی تلفن کردن به یکی از دوستان است. شکل‌های مطلقاً تازه‌یی از تجربه ادبی در دسترس است. وظیفه ما زورپوش شدن با این نوآوریها است. ■

Médée ساحره‌یی که دختر پادشاه کلخید بوده و با زایون رئیس آرگونت‌ها فرار نمود و فرزندان او را خفه کرد. افسانه مده را کرنی در یک تراژدی جالب مجسم نموده و دولاکروا تابلویی بنام «مده خشمگین» ساخته است.

دیدن اصوات

و شکل بخشیدن بنور

گفته شده است که کتابخانه آینده بیش از پیش تحت تسلط دستگاههای ارتباطی الکترونیک در خواهد آمد. توسعه این دستگاهها از هم اکنون به غیرمنتظره‌ترین زمینه‌ها کشیده شده است مثلاً ضبط آثار

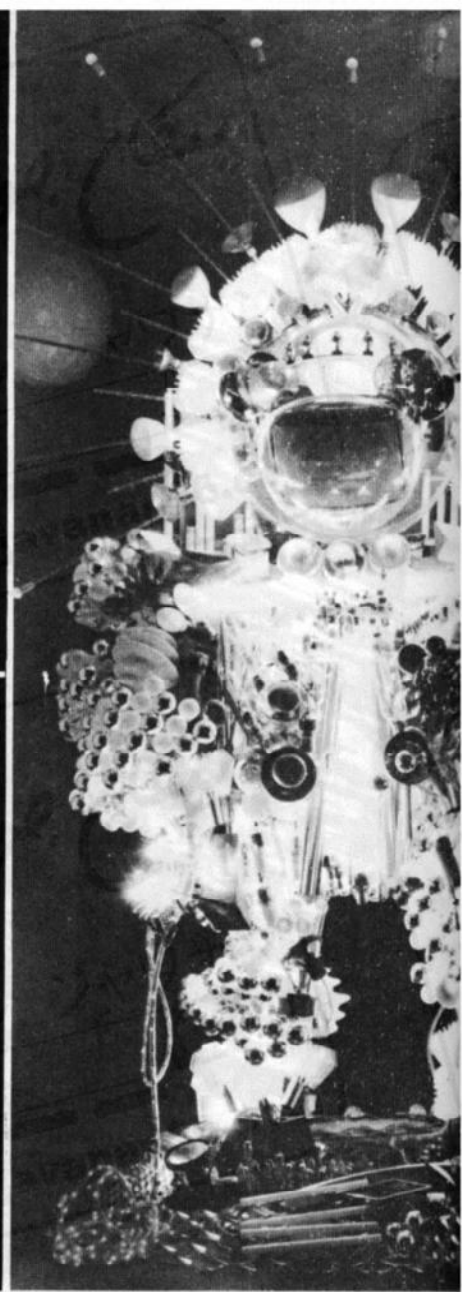


Photo Philips, Paris

صوتی از طریق الکترونیک امکان می‌دهد که شخص را با همان دقتی که از روی نوشته‌اش می‌شناسند، بازشناخت. شش تصویری که در سمت چپ دیده می‌شود، عبارت است از شش اثر صوتی واژه «VOUS» (شما) که توسط پنج نفر ادا گردیده است. یکی از افراد این کلمه را دوبار تلفظ کرده است (بالا و سمت چپ، پایین و سمت راست). در عکس بالا، مجسمه‌یی از نور متحرک به ارتفاع ۸ متر دیده می‌شود که «کیهان - سوالیه فضا» نام دارد و توسط ژان رنوسی - کنور - J. Renucci & Convers در پاریس ساخته شده است. این مجسمه مظهر اطلاعات سمعی - بصری با تمام پیچیدگی و یغرنجی آنست.



مجموعه‌های ذیقیمت کتابخانه‌های فلورانس که در طغیان آب سال ۱۹۶۶ آسیب دیده، بیش از سال ۴/۵۵۵، بطور کامل مرمت نخواهند شد. فقط در کتابخانه ملی مرکزی، یک میلیون جلد کتاب و سند آسیب دیده بود. علیرغم کوشش عظیمی که از پنج سال پیش به این سو انجام شده است (عکس بالا یک کارگاه مرمت کتاب را که در یک کارگاه سابق توتون خشک کنی ایجاد شده است - نشان مردهد) هنوز سی سال دیگر وقت لازم است تا این مقدار عظیم کتاب را که یکی از گرانباترین میراث‌های فرهنگی ایتالیاست، صفحه به صفحه مرمت کرد. در پاسخ به پیام یونسکو، تعاون بین‌المللی برای کمک بحکومت ایتالیا در این مورد بنمونه ظهور پیوست. برای ادامه و تشدید فعالیت دو آزمایشگاه تحقیقی که برای حفظ کتابها و بایگانی‌های آسیب‌دیده، تاکنون در فلورانس ایجاد شده‌اند، یک مرکز بین‌المللی وابسته بیونسکو برای حفاظت کتابها و اسناد هم‌اکنون در دست ساختمان است.

کتابهایی
که از مرگ
نجات یافته‌اند

تصویر و نوشته

نوشته آلبر تومراویا

فکر افول کتاب و گفتار چاپ شده تا حد زیادی ناشی از نقش تصویر و وسایل ارتباطی مصور از قبیل سینما، تلویزیون، آگهی‌ها و نشریات مصور سیستمهای علامات و غیره بوده است.

با وجود این، تعداد کمی از افراد ظاهراً باین واقعیت پی برده‌اند که موقع تصویر بنوبه خود، ناشی از ورود گروههای جدیدی از مردم بتاریخ محسوب می‌شود که غالباً بی‌سوادند یا تازه به سواد دست یافته‌اند.

واضح است که فرد بی‌سواد، حساسیت بصری خاصی دارد. در نظر او تمام جهان ترتیب وسیعی از علامات است که باید بطور مداوم آنرا تفسیر و ترجمه کرد. منشاء نوشته و تحول بطنی آن از تصویر شیئی بعلاوه، خود مبین این امر است که وظیفه‌ی راکه انسان متمدن به گوش خود واگذاشته است، انسان بدوی از چشم خود انتظار دارد.

بنابراین و قبل از هر چیز باید گفت که مسئله عبارت از افول کتاب نیست بلکه عبارت است از موفقیت تصویر، و این کامیابی بیشتر مرهون کسانی است که تا دیروز از قدرت خواندن بی‌بهره بودند تا کسانی که همیشه می‌توانسته‌اند بخوانند.

اگر چنانکه ما فکر می‌کنیم، این مطلب درست باشد، باید از این‌پس شاهد افول مداوم تصویر و در عین حال، موفقیت کتاب باشیم. به بیان دیگر بتدریج که گروههای مردم باسواد می‌شوند، باید زبان بدوی و مستقیم تصویر را رها کنند و به زبان تکامل یافته‌تر و غیرمستقیم‌تر سخن چاپ شده روی آورند.

بعلاوه کاربرد تصویر در دنیای جدید و در دنیای بدوی، تفاوتی عمیق دارند. در جهان بدوی کاربرد تصویر نشانه‌ی بی‌از آغاز ارتباط بود. امروزه همین‌امر فقط بازگشتی موقت به شرایطی است که شاید زودگذر باشند. دنیای جدید

آلبر تومراویا، Alberto Moravia نویسنده و داستان‌پرداز ایتالیایی، یکی از نامدارترین ادیبان معاصر است. از انتشار نخستین اثرش به نام «بی‌آشناها» (۱۹۲۹) که در ۲۵ سالگی نوشته شد، تاکنون، او در حدود سی داستان و مجموعه داستان کوتاه منتشر کرده است که بسیاری از آنها بر روی پرده سینما آمده‌اند، از جمله: زن زیبای رومی، کفرمیت، و غیره. او همچنین با کثافت جهان سفر کرده و کتابهایی درباره شوروی، هند و جمهوری خلق چین انتشار داده است.

چندان بدوی نیست بلکه در نتیجه ظهور گروههای مردم بطور موقت، وضعی بدوی بخود گرفته است. بطور کلی، حتی هنگام گذر از زبان تصویر به زبان نوشته چاپی، مسئله همواره عبارت است از پدیده تشکیل نوع از راه تکرار تکوین فرد. بعلاوه سحت این فرضیه را می‌توان با توجه به بخش وسیع کتاب جیبی به اثبات رساند. تفاوت بین کتاب سنتی و کتاب جیبی تنها در کیفیت و قیمت نیست. در واقع ما در برابر دونوع متفاوت از کتاب قرار داریم. کتاب سنتی در متن یک فرهنگ شکل گرفته، که قرن‌هاست دوام یافته، جای داشته و دارد.

در عوض کتاب جیبی به نحوی نامنظم، بذر فرهنگ هر زمان و هر مکان را در محیطی کاملاً دست نخورده می‌افشاند. ظرف چند سال، گروههای انسانی بسواد، بدون تدارک قبلی در معرض سیل یک فرهنگ سی‌قرنی قرار گرفته‌اند. هنوز این خطر وجود دارد که این فرهنگ، بجای آنکه جذب شود، از طریق یک عمل در هم آمیخته و نابودکننده به مقیاس وسیع، مخلوط و فشرده گردد و به شکلها و استنتاجهایی محدود شود. از آن‌پس توده‌ها مختار خواهند بود دوباره به تصویر که تنها وسیله ارتباط تلقی خواهد شد، بازگردند.

و شاید مارکسیسم در چین، که هر نوع فرهنگ گذشته را کلافی می‌کند، ربه این‌سو داشته باشد. توده‌های عظیم مردم‌چین چون کاغذ سفیدی خواهند بود که هر مطلب دلخواه را می‌توان بر روی آن نوشت. در تحلیل آخر باید دید که روی این کاغذ چه نوشته خواهد شد.

در ضمن از چندی پیش، تصویر نیز ظاهراً اثر خود را از دست داده است، تصویر که به تماشاگر امکان می‌دهد به نحوی انفعالی و بدون کمترین کوشش در جهت تفسیر، آنرا ضبط کند، خودنیز قربانی این حالت انفعالی می‌گردد. تماشاگران سینما و تلویزیون آنچه را که روی پرده از مقابل دیدگانشان می‌گذرد، نمی‌بینند و حالت انفعالی، توجه آنان را کم کرده و ایشان را تاحدی کور و گیج ساخته است.

بی‌شک آنان علائم راهنمایی را که وجود یک مدرسه را تذکر می‌دهد یا اسب‌سواری را که با طیانچه خود تیراندازی می‌کند «می‌بینند»، ولی از آن‌پس بجای دیدن، فقط از یک انعکاس شرطی واحد تبعیت می‌کنند که دیگر کمترین امکان

تفکر، و بنابراین کمترین نوع امکان ارتباط را نمی‌دهد. بعلاوه، خود مارشال مک‌لوهان هم وقتی می‌گوید که پیام همان وسیله است، این مطلب را قبول دارد.

در مجموع، افول کتاب بهیچ‌روی قطعی نیست. حتی اگر این واقعیت اساسی را در نظر بگیریم که کتاب از طبیعت، یعنی از قدرت کاملاً انسانی ادای کلمه‌ها و عبارت پرداختن از آنها زائیده می‌شود، باید به این نکته توجه کنیم که کتاب مجموعه‌ی از کلمه‌هاست و این کلمه‌ها در شرایط خاص خلق شعری، تصویر «نیز» هستند.

بدین ترتیب بین تصویری که کتاب القا می‌کند و تصویری که روی پرده ظاهر می‌شود، اختلاف اساسی موجود نیست. به بیان درست‌تر فقط یک تفاوت قابل ملاحظه وجود دارد و آن اینکه تصویر روی پرده، هیچ نوع آزادی بقدرت تصور نمی‌دهد و همان است که هست.

آنچه در عوض لازم است، قائل شدن تمایز بین طرق مختلف خواندن و کتابهای مختلف است. خواندن برخی از کتابها در حکم نوعی ورزش بدنی است. این کتابها که برای مصرف، با زبان و محتوایی قراردادی برشته تحریر در می‌آیند بمعنای دقیق کلمه خواننده نمی‌شوند، بلکه نگاه خواننده از روی آن رد می‌شود. خواننده با عبور از این عبارت قالبی به عبارت مشابه، از این مطلب مبتدل به آن مطلب، خیال می‌کند که مشغول خواندن است، حال آنکه او فقط نوعی سخن‌پردازی بی‌اثر و بی‌ارزش را احساس کرده است.

بنابراین نخستین شرط برای آنکه کتابی براستی «خواننده شود» آنست که این کتاب واقعاً «نوشته» شده باشد. اگر افولی در کار کتاب است، بعلت آن نیست که عامه مردم کتاب نمی‌خوانند، بلکه ناشی از آنست که کتابهایی را می‌خوانند که «نوشته» نشده، بلکه فقط به «چاپ» رسیده است.

بدین ترتیب کتاب باید مورد تفکر قرار گیرد و آفریده شود، در غیر این‌صورت دیگر کتاب نیست بطوری که آینده کتاب به قدرت شعری، خلاقیت، تبیین و ارائه تصاویر نوشته بستگی دارد. کتاب هنگامی رهایی خواهد یافت که «نوشته شود»، و اگر فقط به «چاپ» آن اکتفا گردد، از بین خواهد رفت. ■

رویاهای یک خواننده تنها

نوشته آخوکار پانتیه

انسان با نیروی آفرینش جاویدان خود، با توان پایان‌ناپذیر سازنده و ویرانگرش، با روحیه انتقادی نامیرنده سیرینا پذیرش که همواره همه چیز را در معرض تردید قرار می‌دهد، از چند سال پیش در مقابل این پرسش قرار دارد که آیا کتاب بنوعی ابزار نشر فرهنگ کهنه و بی‌اثر مبدل شده است که باید جای خود را بوسائل خبری مستقیمتر و کاملتری بدهد که قابلیت انطباق بیشتری دارند و بطور چند جانبه قابل درک هستند، چرا که سمعی و بصری، موسیقی و تصویر و سخن را درهم می‌آمیزند، و در تحلیل واقعیات و حوادث جنبی سرعتی قیاس‌ناپذیر دارند که عبارت چاپ شده روی کاغذ یا در یک کتاب، در مورد درک فوری تحول احتمالی‌اش در آینده بی‌ای آن نمی‌رسد.

بر اثر این پرسش، نظریه‌هایی خودسرانه و فکرات کننده از جانب کسانی عنوان شده است که گمان می‌برند یا ادعا می‌کنند که در زمینه فرهنگی، سینما و رادیو و تلویزیون و روزنامه می‌توانند ظرف پنجاه دقیقه، یکساعت یا یکساعت و نیم، مطالب بیشتری بجا بدهند تا یک کتاب داستانی یا تحقیقی یا بررسی و مطالعه مفصلی که حاصلش شش، هفت سال کار، جمع آوری و تفکر است و در وقتی که صرف کار برای تأمین معاش نمی‌گردد، ما را به خواندن و دقت مستمری که غالباً دشوار است، وا می‌دارد.

بقول پانورژ Panurge به هنگام انداختن گوسفندان در دریای بزرگ نظریه‌ها: «حتی از اینهم بیشتر».

نظر منتقدان سخت‌گیر، کمی با این فرق دارد. آنان از رفتارهایی انتقاد می‌کنند که بابتی خبری و چهل‌جیب‌انگیز، آنرا چون واقعیاتی تازه، پدیده‌ها و دلایلی دال بر روح نامساعدزمانه می‌انگارند.

پس اگر بخواهیم ابتدا از مسائل ساده‌تر شروع کنیم و بتدریج به مسائل پیچیده و بفرنج برسیم، باید به شکوه و شیونهای علمداران نوعی فرهنگ گوش فرا دهیم که مخالف فیلمهای «خنده‌دار» و نوارهای مصوری هستند که چند سالی است کودکان ما و نیز خود ما بزرگسالان را سرگرم می‌کند.

این رواج همه جانبه و جهانی نوارهای مصور را دلیل انحراف نسلهای جدید از مطالعه کتاب دانسته‌اند اما کسانی که به این نوع استدلال چسبیده‌اند، فراموش کرده‌اند که نوار

آخوکار پانتیه «Alejo Carpentier» نویسنده کوبایی، یکی از بزرگترین داستان‌پردازان معاصر است. آثار او به ۲۲ زبان ترجمه شده است. از میان آثاری از او که بفرانسه ترجمه شده‌اند (انتشارات گالیمار، پاریس) از موارد زیر نام می‌بریم: «قلعرو این جهان» (۱۹۵۴)، «تقسیم آبها» (۱۹۵۵)، «قرن روشناسی» (۱۹۶۲)، «جنگ زمانه» (۱۹۶۷). کار پانتیه همچنین، موسیقی‌شناس و متخصص تاریخ موسیقی کوبا است. وی سالها مرکز ملی انتشارات در هاوانا را اداره کرده و اینک رایزن فرهنگی سفارت کوبا در پاریس است.

های مصور - یعنی: شرح وقایع عملیات و قهرمانی‌ها، توسط تصاویر بی‌بایی نظیر سینما - چه از نظر فنی و چه از نظر نحوه برداشت، در نسخ خطی قدیم مکزیک مربوط به زمان فتح مکزیک، تحقق یافته بود. این نوشته‌ها بکمک صحنه‌ها و چهره‌هایی که برطبق ترتیبی به دنبال هم می‌آیند (و از روی آنها ما می‌دانیم که مالدین چگونه لباس می‌پوشید یا لباس هر نان کورتنس چگونه بود)، حوادث تاریخی را که منجر به احوال امپراتوری آزتک «Azteque» شد، برای ما حکایت می‌کنند!

آیا فرش طولیل و تحسین‌آمیز بافته شده در شهر بایو (فرانسه) که شرح فتح انگلستان بوسیله ترمانا و بشیوه تجسمی است چیز دیگری غیر از فن نوارهای مصور است؟

رودلف توپفر «R. Töpffer»، فکاهی‌نویس نابغه سوئیس، با آسر خود، دکتر فستوس «Festus»، (۱۸۴۰)، در قرن نوزدهم نوار مصور امروزی را بوجود آورد. طی سالهای ۱۸۸۹ و ۱۸۹۳، کریستف فرانسوی، با اثر کلاسیک خود، «خانواده فویار» راه توپفر را دنبال کرد

- بی‌آنکه سری «Sapeur Camember» (۱۸۹۶-۱۸۹۵) او را که نامش در تمام خاطره‌هاست، فراموش کنیم.

در زمان کودکی من، پیش از جنگ ۱۹۱۸ - ۱۹۱۴، در پاریس روزنامه‌هایی برای کودکان منتشر می‌شد که مورد استقبال بود، مثل:

«Cri-cri et le Petit illustré» و «l'Intrépide et la Semaine de Suzette»

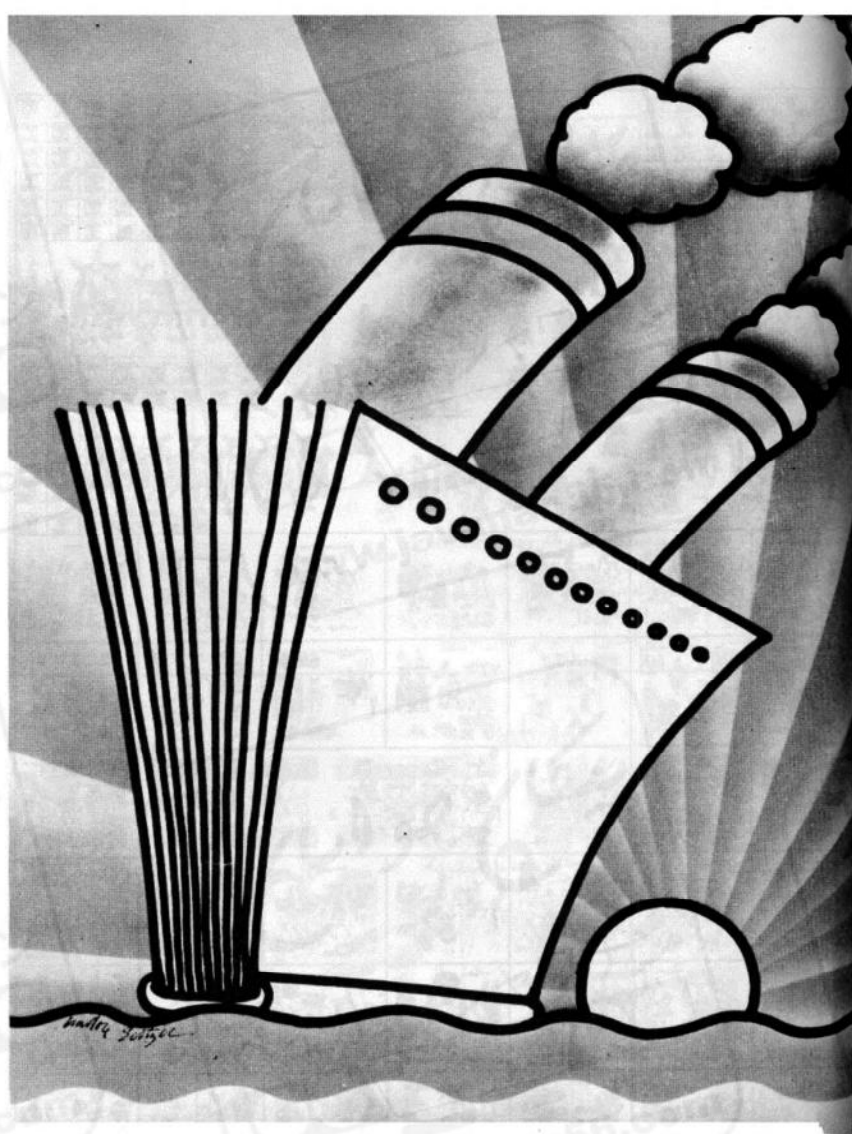
(که در آن شخصیت مشهور بکاسین [نمونه کلفت مسخره آمیز اهل برتانی فرانسه - M] برای نخستین بار ظاهر شد)، «L'Epatant» با ماجراهای فراموش‌نشده «باهای نیکلی» (۱۹۰۸) که حال پس از سالها، به حق معروفیت و اشتها یافته است.

در همان دوره، کودکان آن سوی دریای ما، از ماجراهای تلخ و شیرین و مشکلات باستر براون و سگ وفادارش لذت می‌بردند، که مربوط به سال ۱۹۰۲ است.

و در حوالی سال ۱۹۱۳، باد فیش نافبه آمریکایی، شخصیت‌های خارق‌العاده «Muttand

اگر برای اختراع کشتی که غنا و لذت زندگی را از این نقطه به آن نقطه می‌برد، و دورترین نقاط را با ایجاد اشتراك در محصولات گوناگونشان به هم می‌پیوندد، اختراعی چنین اصیل تلقی می‌گردد، چقدر بیشتر باید کتاب را ستود که مانند کشتی، از دریاها و وسیع زمان عبور می‌کند و دورترین دورانهارا از دوران حکمت، روشنایی و اختراعات را در یکسایدیگر شرکت می‌دهد.

فرانسیس بیکن



Drawing by Isador Seltzer, from a poster prepared by "The New York Times"

دنباله‌دار و داستانهای بهتری بودند؛ تا به داستان دنباله‌دار عالی‌تر و سرشار از کیفیت ادبی ویکتور هوگو به نام «بنوایان» برسیم که نخستین کتاب پرفروش جهان بود (و یک میلیون فرانک طلا نصیب نویسنده‌اش کرد)، و هنوز در جهان اسپانیایی زبان با چنان استقبالی روبروست که کارگران کارخانه‌های سیکارسازی کوبا که در حین کار به قرائت کتاب گوش می‌دهند، تقریباً هر سال، بالاتفاق تقاضا می‌کنند که نقل داستان ژان‌الزان بار دیگر تکرار شود.

داستان دنباله‌دار، آنطور که امروز آن را روی برده کوچک تلویزیون می‌بینیم، کوچکترین لطمه‌یی به آثار عظیم بازاک نرده و مانع از آن نگریده است که جنبه‌های سور رآلیستی کار ویکتور هوگو از نظر پوشیده بماند، و نیز مانع انتشار کند ولی وسیع و جهانی آثار بودلر، رمبو و دیگران نشده است...

امیل زولا، پس از موفقیت دست و پاگیر مؤلف کتاب ارنانی «Hernani» [منظور ویکتور - هوگو است - مترجم]، دومین نویسنده آثار پرفروش در اروپا، تا زمان تولستوی بود، و در این میان چارلز دیکنز را نیز نباید فراموش کرد که بخش آثارش با سرعت کمتری انجام گرفت و نیز نباید از یاد برد با آنکه زولا در آثاری نظیر «نانا»، «می‌خانه» و «ژرمنال» به اوج استادی و ناموری رسید، کار خود را با آثاری چون «توز راکن» و «اسرار ماری» آغاز کرد که از بدترین داستانهای دنباله‌داری که امروز روی صفحات تلویزیون در تمام جهان می‌بینیم، دست کمی نداشتند. و چه کسی بود که زولا را فلک‌ناپذیر ساخت و تمام آثار بزرگ و اسپیل او را به تمام زبان‌های دنیا برگرداند و کارهای سبک او را به دور ریخت؟ توده خواننده.

بقیه در صفحه بعد

است. در میان کلاسیکهای این رشته، افرادی چون کسان زیر قرار داشتند: لوسی‌ین اهل ساموزات، صاحب یک تصنیف قرون وسطایی که با حرکات ادا می‌شد و در آن اسکندر کبیر در یک زنگ بزرگ آبگینه به اعماق دریا فرو می‌رفت، رولان خشمگین، که با شنا از اقیانوسی گذشت؛ سیرانو دو برزراک و سفرش به ماه؛ سویفت، سویفت تمام نشدنی، که در آخرین سفرهای گالیور تخیلش بسیار بیشتر از سفرهایی است که ملی آن با گولها و کوتوله‌ها آشنا می‌شود؛ اچ. جی. ولز که آثارش نظیر «نخستین انسانها در ماه»، «چنگ بین کرات»، «مرد نامرئی» و «جزیره دکتر مورو»، نشخوارهای فکری دوره نوجوانی من بود...

اما داستانهای دنباله‌دار آنطور که در روزنامه‌ها و تلویزیون دیده می‌شوند؟ نباید فراموش کرد که کتابهای داستانی شوالیه‌ها، که نخستین قهرمان آن آمادیس دوگل بود، همه از داستانهای دنباله‌دار بودند. هم چنین نوشته‌های گزایه دومونپن، امیل گابوریو، و اوژن سو در ابتدای قرن بیستم نیز داستانهای

Jeff را خلق کرد که بیش از چهل سال تمام در صفحات صدها روزنامه زنده ماندند و از راه ناکامی‌های Famil Illico اثر ژومک مانوس، Katzenjammer Kids (در فرانسه به پیم - پام - پوم معروف بود) اثر کریزی کت (۱۹۲۴)، پویی دریانورد و اسفناجش که منبع انرژی بود، به تازان، ایر مرد، «تری» و دزدان دریایی، و «ماندرک» جادوگر، یعنی شخصیت‌هایی ختم شدند که با شجاعت افسانه‌یی خود باعث شکستگی اساطیر جدیدی گردیدند که هنوز در صفحات روزنامه‌های بزرگ جای دارند...

اما همه اینها، منتقدان سخت‌گیر، علمداران تقدس فرهنگ، به هیچ روی به انتشار، تجدید طبع و ترجمه‌های بی شمار آثار تولستوی، پیر-اندلو، توماس مان، مارسل پروست، جیمز جویس، هرمان بروک (و نمی‌خواهم به شمردن نامهای مشهور که کار آسانی است، ادامه دهم) لطمه‌یی نرزد، یعنی همان نویسندگانی که خوانندگان قرن پیش آنان را «نویسندگان مشکل نویس» و حتی «غیر قابل خواندن» می‌دانستند. داستانهای خیالی علمی؛ این نوع ادبیات همواره وجود داشته

روایهای يك خواننده تنها (بقیه)

معاظور که بینندگان سینمای معاصر فیلمهای زشتی را که در ابتدای قرن (با شرکت فرانسسکابرتینی، گوستا و سرفا، ایتالآلمیرانته مانچینی، هسپریا، و غیره) و شرکت‌های سینمایی رم و آمبروزیوی میلان عرضه می‌کردند فراموش کردند و تنها فیلمهای بزرگ زمان نیوگ‌جایلین را نگاه داشتند در توده خوانندگان و بینندگان حسی انتقادی بوجود آمده که با آنکه نسبت به قدرت خبری، سرگرم‌کنندگی و حتی آموزشی وسایل ارتباط جمعی حساس نیست، بیش از پیش به کتاب وفاداری نشان می‌دهد - و من کتاب را عداً با حرف بزرگ و به عنوان اسم خاص می‌نویسم.

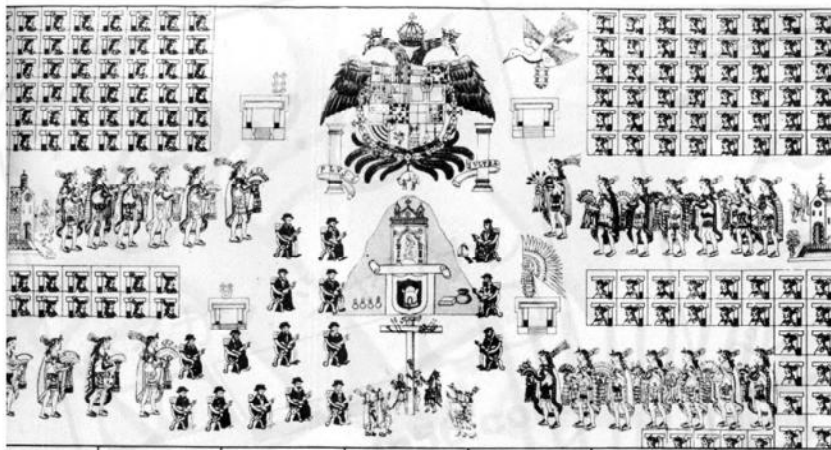
زیرا کتاب علرغم حسابگرپها و فرضیه‌های کسانی که «دایله» آنان را «سودجویان مطلق» می‌خواند، هرروز گام تازه‌یی برمی‌دارد، نیروی جدیدی کسب می‌کند و در میان مردم طرفداران بیشتری بدست می‌آورد. برای درک این موضوع، باید بواقعیتی توجه کنیم که حتی کودکی راهم که از نظر سطح فرهنگ، از ماجراهای تازران و میکی‌موز فراتر نرفته است، قانع می‌کند و آن اینکه بنگاههای انتشاراتی در همه‌جا، به‌نحوی حیرتانگیز افزایش می‌یابند. و ناشر کسی است که با بازرگانی این کالای عجیب، ناسیاس، و ظاهراً کم‌صرفی‌یی که کتاب است، زندگی می‌کند. کالای ناسیاس، چون تولید ان مستلزم سرمایه‌گذاری در بلندمدت، با نتیجه غالباً نامعلوم است. برای انتشار اثری از یک نویسنده مبتدی و ناشناخته باید پول خرج کرد؛ در بهترین حالات، اگر این اثر موفقیتی داشته باشد، ظرف یکی‌دوسال خرج چاپ خود را در می‌آورد.

ناشر برای موفقیت خود، مجبور است يك شبکه توزیع بوجود آورد، تبلیغ کند، بکوشد تا عابر بی‌توجه را بعنوان يك داستان، يك کتاب شعر یا تحقیقی که نام انتشارات او را بر خود دارد، جلب کند. تمام اینها مسائلی را پیش می‌آورد که برای تاجران دیگر که کالاهای قابل مصرف فوری را به مشتریان عرضه می‌کنند، وجود ندارند.

خواندن به يك معنی، امر تجملی محسوب می‌شود، خصوصی‌ترین تجملات. کتاب با پولی خریده می‌شود که پس‌از خرید تمام اشیاء لازم دیگر باقی می‌ماند - یعنی برطرف‌شدن ضرورت اولیه، ممدلك ببینیم چشمانداز انتشارات درجهان چگونه است؟

برآنکه بخواهیم از فرانسه، آلمان، انگلستان و سایر کشورهای سخن بگویم که در این زمینه دارای سنتی دیرین هستند، وقتی بدوران کودکی خود می‌اندیشم، می‌بینم دستگاههای انتشاراتی که در آن زمان در آمریکای لاتین وجود داشتند، به زحمت به تعداد انگلستان دو دست می‌رسیدند. البته مطبعه‌چی‌هایی وجود داشتند، ولی ایشان تنها پس‌از دریافت مبلغی معین، کتابی را منتشر می‌کردند (و هرگز تعداد

بقیه در صفحه ۲۸



Ťlaxcallā



حکایت

پایان امپراتوری

آرتک از راه

نوار مصور

مشهورترین دست‌نویسهای مکزیک یعنی Lienzo (یابرده) تلاسکالا سمت راست یک نوار مصور حقیقی است که حوادث تصرف مکزیک بدست اسپانیاییان و پایان امپراتوری آرتک بر آن نقش شده است. این پرده احتمالاً درحوالی سال ۱۵۶۰

Itecoacimco.



tlivocan.



Chalco.



یعنی نزدیک به پنجاه سال پس از وقوع آن حوادث، توسط هنرمندان بومی تلاسکا نقاشی شده است. این سند ذیقیمت در شهرداری تلاسکا فرار داشت ولی در ۱۸۶۷ نابدید شد و فقط تصاویری از آن در کتابخانه ملی پاریس موجود است. در این پرده، تصویر و شرح عقاب دوسر امپراتور شارل کنت و علامت سلطنتی او آمده است و گرداگرد آن پر از علائم و چهره‌های انسانی است. بعد، شرح نقاشی‌شده به معنای اخص کلمه در ۸۰ تصویر آمده است که تعدادی از آنها را ما در این صفحه‌گذارده‌ایم. دربالا: سواری از روسای بومی ایل؛ بالا و سمت چپ، و مقابل و سمت چپ: هرنان کرتس و دوست بومی او دونامارینا ملقب به لامالینچ که مترجم او محسوب می‌شد، در حال پذیرایی از حضار دیده می‌شوند. در زیر آن، صحنه دهم این فیلم، چون یک بازی تصویری یا جزئیات فراوان بنظر می‌رسد: در راه مکزیکو، کرتس سوار بر اسب، به راهنمایی یک بومی از «راه بزرگ» که درمقابل آتشفشان پوپوکانه‌پتل امتداد دارد، عبور می‌کند. بین اسب او و کوه آتشفشان، سه میخ گلی، نشانه دامهایی است که دشمن برسر راه گسترده است، یک سنگ همراه جنگجویان است، درانتهای جاده شهر جانکو دیده می‌شود.

کتاب و نشر فرهنگ

نسخ از ۲/۰۰۰ تجاوز نمی کرد، که حاصل کار يك استاد عالیقدر، يك شاعر نامدار یا نویسنده‌یی بود که روزنامه‌ها او را شناسانده بودند.

و هنگامی که کار چاپ پایان می‌رسید، نویسنده می‌بایست کتابها را بگیرد و شخصاً در میان کتابفروشی‌های شهر توزیع کند. این نسخ غالباً با کم‌لفظی یا حتی خصومت کتابفروش مواجه می‌شدند (بسیار خوب... ده نسخه از شما می‌گیرم، ولی خبرتان کنم که آثار ملی و میهنی کم فروشند...) گاه اتفاق می‌افتاد که پس از اینهمه مشکل و ماجرا، نویسنده ناگزیر می‌شد هزار نسخه فروش‌رفته را پس بگیرد و آنها را در زیرزمین یا انبار منزل خود بپزد. این کتابها محکوم بفروشی بودند، مگر آنکه بندرت، حس کنجکاوی نسلهای جدید ناگهان در این نویسنده تیره‌روزی که بی‌هیچ افتخار در گذشته است، یکی از پیشگامان خود را بیابد.

(باید موفقیت چشمگیر کسانی مثل روبن داریو را از این امر مستثنی کرد... اما به خاطر بیاوریم که عظمت کار شاعری مثل سزار- واله‌خو که تاکنون کسی به پای او نرسیده است، در زمان حیاتش ناشناخته باقی ماند...)

از سوی دیگر، نظر توده خوانندگان نسبت به کتاب، در تمام جهان عوض شده است (البته منظور من کشورهای عقب‌مانده که «توده خواننده» در آنها وجود ندارد، نیست، به این علت ساده که اکثریت انبوه انسانها در این ممالک از نعمت خواندن و نوشتن بی‌بهره‌اند...) و از آنجا که هر کس مشاهدات و نتیجه‌گیریهای خود را بر مبنای تجارب شخصی انجام می‌دهد، من به نسل پدر و پدربزرگم می‌اندیشم که در زمان خود، به عنوان افرادی با فرهنگ عالی تلقی می‌شدند.

در آن زمان فرهنگ را عبارت از چه چیزی می‌دانستند؟ عبارت از چیزی که برای در پیش گرفتن حرفه‌یی معین، بطور شرافتمندانه و اغلب همراه با مهارت و استعداد، لازم بود - پدربزرگ من وکیل دعوی بود و پدرم مهندس معمار... آنان در جریان تمام چیزهایی بودند که می‌توانست به تکامل ایشان کمک کند و کارها و فعالیت‌هایشان را بهبود بخشد. اما ... در خارج از این زمینه چی؟ آنان مردان با فرهنگی بودند که در محیط کاملاً با فرهنگی که در آن فعالیت داشتند، افرادی بسیار با فرهنگ تلقی می‌شدند.

اما... اساس فرهنگ آنان چه بود؟ شناسایی مسائل انسانی. آنها کلاسیک‌های یونانی، لاتینی، قرون وسطایی، نویسندگان قرنهای طلایی اسپانیا، فرانسه، انگلستان و غیره را می‌شناختند... آنان به رمانتیسیم آلمان و ادبیات قرن نوزدهم و نیز ادبیات زمان خود آشنا بودند، آنان در گفتگوهای خود، هوشمندانه از

کسانی چون بالزاک، فلورین، زولا، داستایفسکی، تولستوی، ایسن، گالدوس، پیو باروخا، وال- اینکلان، و البته شعرای بسیاری که آثارشان غالباً بدست فراموشی سپرده شده است، نام می‌بردند. آنان اطلاعاتی از فلسفه داشتند، با تاریخ، آشنا بودند و در سایر رشته‌ها، البته آثار داروین، هایکسل، لوبن، زنان، تن، امرسون، لودانتک مغلق‌نویس را خوانده بودند، ولی به نحوی پراکنده و بدون پی‌گیری.

از طرف دیگر فلسفه به نظر ایشان زمینه‌یی بود که می‌بایست به فلاسفه واگذاشت (که رمون کنو در نوشته جالب و بازمزه‌یی آنان را افرادی خوانده که کارشان را مشکل می‌توان تعریف کرد)؛ باستان‌شناسی به باستان‌شناسان، جامعه- شناسی به جامعه‌شناسان، و علوم به دانشمندان واگذار شده بود.

و اما راجع به سیاست... آه! سیاست، «شعبده‌بازی، بازی بدجنسها» بقول پدربزرگم... آنان تول فرانس، زیبایی‌شناس، صاحب‌نظر در کار فلسفه، سیاست و همه چیز، نویسنده «زندگی قدیسین» که خود اعتقادی به آن نداشت، خلاصه آدمی همه‌فن حریف به قول فرانسویان، فراموش نکنیم که استاد و راهنمای نسلی بود که معرفت يك دوره تاریخی است.

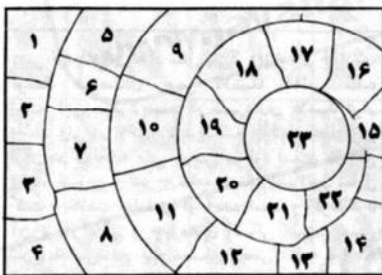
اما امروز به ویتترین يك کتابفروشی پاریس، لندن، بوئنوس آیرس، مکزیکو، هوانا، یا هر شهر بزرگ دیگری ملاحظه کنید، در این جا می‌بینیم که داستانها در کنار کتابهایی قرار گرفته‌اند که از کاوشهای سومر، جزیره کرت، یا فلان نقطه در مکزیک یا پرو سخن می‌گویند. تمام هم‌نسلان من، آثار فروید، یونگ، لاگان (نمی‌خواهم فهرست نامها را طولتر کنم) و دیگران را خوانده‌اند؛ آنان آثار مارکس، انگلس، گرامشی، لوکاکس را مطالعه کرده‌اند، برخی از آثار فلسفی در سالهای اخیر پرفروش- ترین کتابها بوده‌اند، سیرنیتیک، علوم، فضاوردی (شکل جدید تخیل علمی، ولی این بار با شرکت کسانی که واقعاً قدم به ماه گذاشته‌اند) توده‌یی از خوانندگان را به هیجان می‌آورند.

مجموعه‌ها بیش از پیش زیاد می‌شوند: کتابهای هنری بابهایی که بیش از پیش در دسترس عموم است، بیوگرافی آهنگ‌سازان، تاریخ موسیقی، کتابهای ارگانوگرافی ad usum delphini (و همه با کمک صفحه و نواز صوت)؛ سیاست، تاریخ معاصر، جامعه‌شناسی زنده، کاوشهای مختلف، شناسایی کره زمین، استروکتورالیسم، لوی اشتراوس و غیره. يك فکاهی‌نویس فرانسوی اخیراً می‌گفت که ستارگان بزرگ عصر ما، جیمز باند و تیارد و شاردن کتیش هستند.

خواننده امروزی، بعلمت حس کنجکاوی،



Photos 1, 2, 3, 5, 6, 8, 10, 13, 14, 20, 21, 22 © Roger Violett, Paris. Photo 17 © Roger Violett-SPADEM. Photos 11, 12, 19 © René-Jacques, Paris. Photo 9 © Armand Colin, Paris. Photo 15 © National periodical publications, New York. Photo 16 © Tate Gallery, Londres. Photo 7 © SPADEM, Paris.



تمایل به کسب اطلاع، قدرت جذب و فهم، عطش رسیدن به برخی از زمینه‌هایی که تا دیروز در دسترس نبودند... روز بروز زیادتر می‌شود. بنابراین تعجب نکنید که اگر ناشران قرن گذشته (به جز در موارد استثنایی آثار ویکتور هوگو یا امیل زولا) تیراژی بر اساس دوازده نسخه داشتند و در مورد آثار فلسفی و جامعه‌شناسی رقم بسیار پایین‌تر از این بود - امروزه تیراژ بیست هزار، سی هزار و پنجاه هزار و حتی صد هزار نسخه کاملاً متداول و جاری است.

و پیرحال من ناشری در اروپا یا آمریکای لاتین سراغ ندارم که از سی سال پیش به این



داستایفسکی ۹- تصویر کریستف در «خانواده فوایر» ۱۰- ویکتور هوگو ۱۱- دست‌نویس داستایفسکی، صفحه‌ی از «تسخیرشدگان» ۱۲- تصویری از «گل زنبق در دشت» اثر بالزاک ۱۳- لوئیجی پیراندلو ۱۴- تصویری از «تردام‌دوباری» اثر ویکتور هوگو ۱۵- ابرمرد، بقلم جوته‌شاستر ۱۶- تصویری از «کمدی الهی» اثر دانته، بقلم ویلیام بلاک ۱۷- مازسل‌پروست، بقلم ژ. ا. بلانش ۱۸- تصویری از گرانویل در «سفرهای کالیور» ۱۹- طرحی از ویکتور هوگو ۲۰- پیوبارویا ۲۱- کاوروش قهرمان «بینوایان» ویکتور هوگو ۲۲- تصویری از «بابا گوریو» اثر بالزاک ۲۳- تصویری از کوستا دوره، در «دولان خشمگین» اثر ارسطو.

این منظومه که از تصاویر نویسندگان و عکسهایی از چند کتاب تشکیل شده است، تنها یک بخش بسیار کوچک از انبوه خواندگانی را بخاطر می‌آورد که تمدنشان روزافزون است و بقول آلتوکارپاتیه «با برصبری منتظر آیند که به مراحل از تفکر قدم‌گذارند که تا دیروز به آن دسترسی نداشتند...»

۱- هیوبرت ج. ولز ۲- لئون تولستوی ۳- رامون دلوال - اینسکلان ۴- تصویر گرانویل در «سفرهای کالیور» اثر جواناتان سویت ۵- آرتور رمبو به قلم ورلن ۶- کارل مارکس ۷- سزار والر یو بقلم پیکاسو ۸- فیودور م.

نظامها باید نوشت.

اگر عطش خواندن وجود دارد - و این امر در کشورهای توسعه‌یافته کاملاً صادق است - در نزدیکی ما عطش نوع دیگری موجود است که خودبه‌خود عطش قرائت را نفي می‌کند... و ما در مقابل آن نباید نقش خشن خانم نجیب‌زاده پروست را بازی کنیم که در سالهای ۱۹۱۸-۱۹۱۶، علیرغم محدودیتهای آن زمان، نگران این مطلب بود که هر روز صبح، برای صبحانه‌اش «کروآسان» بیاورد تا پیش از خواندن روزنامه و اخبار بدی که از وضع آرتش متفقین در صحنه‌های نبرد می‌رسید، آنها را با لذت میل کند. ■

شدید و وسیع است و به محض آنکه کودک نخستین کلمه‌ها را ادا می‌کند، مطرح می‌شود. و راجح این مسئله، بستگی به یک کتاب بیشتر یا کمتر ندارد. در این عصر، درجایی که داشتن یک مشت برنج و یا یک تکه نان، بدون انتظار-هایی که باید برای تمام مردم این عصر باعث خیالت باشد، حتی امروز هم مسئله مبهمی است؟ آیا کمدی الهی (اثر دانته) امروزه می‌تواند نقشی برعهده داشته باشد؟ اما از این مسئله همه آگاهند، هرچند که گاه خواسته‌اند به‌دست فراموشی‌شان بیاورند. در این سطح دیگر معادله رانه در زمینه فرهنگ یا قرائت، بلکه دربار

طرف، ورشکسته شده باشد؛ تمام این واقعیات بما ثابت می‌کنند که بقول معروف کار ناشران سکه است و علتش آنست که خواننده وجود دارد. برای این خوانندگان وسایل ارتباط جمعی، جای تفحص شخصی در صفحات چاپی یک کتاب را نمی‌گیرد.

می‌توان این پاسخ را عنوان کرد که معذک یک مسئله عظیم همچنان برجای خود باقی است، و آن مسئله کشورهای عقب‌مانده است که در آنها، گروههای عظیمی از مردم از نوشتن‌نام خود بر روی صفحه کاغذ عاجزند. اما این مطلب در ارتباط با مسئله دیگری است که مسئله آموزش

عکس مقابل، دانش‌آموزان روستای ساحلی (داهومه) را نشان می‌دهد که کتابهای درسی گرانهای خود را روی سر گذاشته‌اند. افزایش تولید کتاب در کشورهای در حال توسعه بنوعی قابل‌ملاحظه‌ای از سرعت خود کاسته است. زیرا این کشورها مجبورند کاغذ را از خارج وارد کنند و با ارزشهای محکم نیز بهای آنرا بپردازند. جمع-آوری کغذهای دور ریخته، در معیاس صنعتی، ضمن آنکه منابع جنگلی را حفظ می‌کند از آلودگی می‌کاهد، می‌تواند در سبک کردن این بارگران نیز مؤثر باشد. سمت چپ، لوله‌های متوایی که با کاغذهای دور ریخته، ساخته شده است.



Photo Bernheim - UNICEF

جهان سوم

شکفتگی کتاب و جوانان

نوشته: ی. و. لاکشمانارائو

اگر ملاحظات مربوط به بها را کنار بگذاریم، هیچ یک از محققانی که این مسئله را مورد بررسی قرار داده‌اند، تاکنون ترتوسایل کهن یا استفاده آنحصاری از وسایل جدید را توصیه نکرده‌اند. این مطلب هم درباره کشور-های درحال توسعه صادق است و هم در مورد کشورهای صنعتی، که در آنها صنعت چاپ با وسایل جدید ارتباط جمعی در حال رقابت است. برآثر سالها تحقیق و تجربه در این کشورها، معلوم شده است که وسایل ارتباط جمعی یکدیگر را از میان نمی‌برند؛ و هیچگاه بطور کامل محو نمی‌گردند، بلکه اگر بتوانند خود را با شرایط نوین انطباق دهند و نقشهای جدید خود را که تکمیل و غنی‌تر کردن یکدیگر است ایفا کنند، مانند زوج افسانه‌ی مادر شوهر - عروس می‌توانند در کنار هم، بطور مشترک و در

جبری، مرگ کتاب را اعلام کرده‌اند. ما اهالی کشورهای درحال توسعه که هنوز از تمام مواهب زندگی برخوردار نشده‌ایم، بسیار مایلیم که زندگی ادامه پیدا کند؛ همچنین به مجموعه وسایل ارتباطی که امروز آنرا وسایل ارتباط جمعی می‌نامند (و کتاب هم یکی از آنهاست) علاقه مندیم. این وسایل امکان می‌دهند که معلومات بدست آمده و اخبار و اطلاعات جدید به نسلهای جوان ما منتقل شوند. آیا الزامی داریم که از این وسایل ارتباط جمعی، برخی را انتخاب کنیم؛ یا باید در حد امکاناتمان، در عین حال از کهنه و نو بهره جوئیم؛ آیا باید تمام وسایل را اعم از الکترونیک و چاپی، در یک طبق بگذاریم، یا به بهترین وسیله و امکان یعنی وسایل ارتباط شفاهی متوسل شویم؟

در جریان زندگی من، چندین بار این یا آن فرقه مذهبی که اعتقادات جبری دارند، بایان جهان را پیش‌گویی کرده‌اند، حتی برخی از پیروانشان تا آنجا پیش رفتند که داروفاشارشان را هم قسمت کردند. اگر امروز من سه‌امی در یک بنگاه انتشاراتی داشتم، شاید می‌بایست آنها را می‌فروختم، چون از هم اکنون تکنوکراتهای

ی. و. لاکشمانارائو (Y. V. Lakshmana Rao) متخصص هندی در امر ارتباطات جمعی، مدیریت مرکز آسیایی تحقیق و اطلاعات درباره ارتباط جمعی را که مقر آن در سنگاپور است، برعهده دارد. او مدت چهار سال (از ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۹) عضو بخش توسعه وسایل خیری در یونسکو بوده است و علاوه بر آنکه سابقاً معاونت موسسه مطبوعاتی هند در دهلی نورا برعهده داشته، در موسسه تحقیق درباره ارتباطات دانشگاه استانبول (ایالات متحده آمریکا) نیز کار کرده است.



Photo © Unilever Ltd., London

آسایشی نسبی بسر برند. اگر طی این جریان، مثلا قرار باشد کتاب به «غیرکتاب» مبدل شود و تلویزیون بتدریج خیری و آموزشی گردد، بسیار خوب است، ولی ما از آنچه در آینده پیش خواهد آمد، هیچ اطلاعی نداریم.

واقعیت زندگی در کشورهای درحال توسعه چنین ایجاب می کند که از در پیش گرفتن راههایی که ناشی از احساس باطنی (وشاید حالت شیفتگی) است، پرهیز شود، حتی اگر احتمالا بعد معلوم شود که چنین راههایی درست بوده است. نه تنها این امکان فراوان است که احساس باطنی به اشتباه رود، بلکه در این صورت، مخارج کارهم برای کشورهای درحال توسعه گزاف و تحمل ناپذیر است.

ما منکر این نیستیم که وسایل جدید ارتباط جمعی می توانند نقشی قابل ملاحظه در تلاش این کشورها در راه رشد و توسعه بازی کنند. معذک بادر نظر گرفتن منابعی که در آینده و تا مدتی نسبتا طولانی، در دسترس خواهد بود، لازم است که در زمینه رشد و توسعه ارتباطات، سهم عمده ذخیره و پخش خبر، علیرغم ظهور وسایل ارتباطی الکترونیک و ماشینهای حسابگر، برعهده نوشته چاپی گذارده شود. لازم است که کتاب همچنان به پخش اخبار و معلومات مورد نیاز اهالی متوسط کشور ادامه دهد تا آنان بتوانند بطور کامل در تغییراتی که در اطرافشان بوجود آمده است، شرکت جویند. این معنی بویژه در مورد جوانان کشورهای

در حال توسعه مصداق دارد.

متأسفانه انقلاب در امر ارتباطات تنها انقلابی نیست که اکنون در کشورهای در حال توسعه پیدا شده است. انقلابهایی که در غرب بوجود آمد - انقلاب سیاسی، صنعتی، اجتماعی و فنی - امروز بطور ناگهانی و در آن واحد در کشورهای در حال توسعه جریان دارد. ولی مردمی که در جریان این انقلابها قرار گرفته اند، بطور نسبی تجربه و شناسایی کمتر، نیازهایی فوری تر و منابعی بسیار محدودتر دارند.

در ضمن بر اثر انقلاب در امر ارتباطات، این مردم علاوه بر انقلابهای خود، با پیشرفتهای فنی و غیره نیز که در غرب بوجود آمده است، روبرو هستند. در حدى که حوادث، افکار و مسائل غرب، کشورهای در حال توسعه را تحت تأثیر قرار می دهد، شاید لازم باشد که این فرضیه که دنیا در حال تبدیل به «یک جامعه جهانی» است، معتبر تلقی شود. اما پیدایش فوری اینترناسیونالیسم را انتظار داشتن، ناشی از عدم واقع بینی است.

در واقع بنظر می رسد که یکی از نیازهای اساسی کشورهای در حال توسعه، درست یا غلط، پرورش یک احساس همبستگی ملی است، که برای تکوین یک ملت، شرطی لازم است. رهبران کشورهای در حال توسعه هم اکنون می کوشند تا این احساس ملی را به مردمان خود القا کنند و در عین حال با شرکت در مجامع بین المللی، در راه ایجاد «جامعه جهانی» سعی

می کنند.

کشورهای در حال توسعه، معمولا با مسئله جماعات روستایی درگیرند، یعنی با روستاهای واقعی که اکثریت بزرگ ساکنانشان، افرادی بی سواد، بی اطلاع، فاقد معلومات اساسی لازم در امر رشد و توسعه هستند و از مفاهیم اصلی و بنیانی تجدد و نوسازی خبر ندارند. حتی پسران و دختران جوان این روستاها نیز از این معلومات بی بهره اند.

بعکس در شهرها، جوانان که نسبتا با فرهنگترند، با نوعی ابهام و تزلزل فکری دست بگیریند و این امر باعث ایجاد ناراحتی در ایشان و در جامعه ای که آنانرا در بر می گیرد می شود. آنان احساس قومیت شدیدی ندارند و ولی خو در حقیقتا اینترناسیونالیست هم احساس نمی کنند.

مشکل رهبران این جوامع آنست که این احساس تعهد را به جوانان القا کنند تا آنان بتوانند جای واقعی خود را در اجتماع بازیابند. به این منظور ضرورت دارد درباره جامعه ای که در آن زندگی می کنند، شناسایی های لازم را داشته باشند. می بایست تاریخ و فرهنگ این جامعه را بدانند و اگر قرار است وسایل ارتباطی در این انتقال خبر و دانش نقش مهمی برعهده داشته باشند، مسئله ای که باید به آن پاسخ داد از این قرار است: آیا این کشورها باید از وسایل ارتباطی موجود استفاده کنند یا منتظر تصانند که وسایل جدید، برای پاسخ گویی بقیه در صفحه بعد

از انتقال شفاهی تا انتقال کتبی

به نیازهای روزافزونشان، بقدر کافی رشد و تکامل پذیرد؟

می‌دانیم که ماهیت «دستاوردهای جامعه» تغییر کرده و انتقال از راه شفاهی جای خود را به انتقال کتبی داده است. کشورهای درحال توسعه در این مرحله قرار دارند. آنها می‌دانند که دستاوردهای چاپی را می‌توانند فوراً در اختیار داشته باشند. همچنین می‌دانند که این دستاوردها به نسلهای جوان، مانند نسلهای پیشین امکان می‌دهد تا با تاریخ فرهنگ و تمدن خویش آشنا شوند.

مزایای اوراق چاپی و کتاب بحدی روشن است که نیازی به تفصیل ندارد. نوشته چاپی همواره آماده است هنگامی که جوانان برای دریافت آن آمادگی پیدا کنند و حوصله مراجعه به کتاب را داشته باشند، معلومات مورد نظر را در اختیارشان قرار دهد.

همچنین می‌دانیم که وسایل جدید ارتباطی الکترونیک بعلاوه محدودیت‌های ذاتی خود، این مزیت را ندارند که بطور دلخواه در زمان و مکان حد کمتری در مکان، مورد استفاده قرار گیرند. در این درجه از رشد، وسایل ارتباط الکترونیک نیز فاقد عمق لازم برای درک کامل بسیاری از فنون پیچیده جریان تولید و مسائل انسانی جامعه هستند.

بدین ترتیب، رهبران این کشورها مزایای کاملاً واقعی انتقال معلومات از راه نوشته چاپی را فدای امکانات فرضی وسایل جدید ارتباطی نمی‌کنند، زیرا امکانات این وسایل در انتقال مؤثرتر معلومات «از راه تمام حواس»، بویژه یادرنظر گرفتن هزینه‌های گزافی که مستلزم آنست، هنوز با یقینی معقول و منطقی به اثبات نرسیده است.

و نیز باید در نظر گرفت با آنکه دوران الکترونیک در کشورهای صنعتی، دوران چاپ را پشت سر گذاشته است، اما نوشته چاپی در مناطق وسیعی از جهان، هنوز راه کمال را نیموده است. بعلاوه نباید فراموش کرد که این کشورها هنوز در مرحله «فرهنگ شفاهی» قرار دارند و در حالت «قبیله‌یی» پسر می‌برند. اگر مسئله کشورهای صنعتی، قبیله‌یی کردن مجدد انسانهاست، درباره کشورهای که هنوز از حالت قبیله‌یی در نیامده‌اند، چه باید گفت؟ اشاره ما بجوامعی است که در آنها، حتی جوانان تعهدی احساس نمی‌کنند و با آنکه در یک «فرهنگ شفاهی» پسر می‌برند، تماشاگرانی غیر فعال بیش نیستند و این حالت را نفرین دوران چاپ تصور می‌کنند. ورود مستقیم به دوران الکترونیک، پیش از آنکه از چاپ استفاده شود، آیا به شکل دیگری از «قبیله‌یی کردن» انسانها خواهد انجامید که بنوبه خود به تعهد، شرکت

و عمل منتهی خواهد شد؟

درست است که در کشورهای صنعتی، اختراع تلویزیون و رشد و تکامل خارق‌العاده آن باعث پیش‌بینی‌های بسیاری شده است که براساس آن، تلویزیون ضربه نهایی را به کتاب خواهد زد و آن را بصورت بقایایی از زمان گذشته در خواهد آورد، و تمدنی مبتنی بر حروف و حرکات را در جهان خواهد گسترده. اما جهش و رشد اولیه تلویزیون به حالتی از ثبات رسیده و آشکار شده است که کتاب هم چنان باقی خواهد ماند.

دوران چاپ که در مرگش اینهمه مرثیه سروده‌اند، هنوز در کشورهای در حال توسعه به شکفتگی کامل نرسیده است. وقتی کتاب رسالت خود را به انجام رساند - اگر چنین چیزی ممکن باشد - و مسئولیت خود را به وسایل جدید ارتباطی تفویض کرد، شاید در آن زمان، این کشورها مرگ این وسیله انتقال معلومات را بپذیرند. معذک فعلاً هیچ نشانه‌یی از پیری و فرسودگی در کتاب مشاهده نمی‌شود. کتاب هنوز، تمام ظرفیتهای خود را بروز نداده است، و در حال حاضر، کسانی که مسئولیت پیدایش و رشد آنرا برعهده دارند، با حرارت تمام سرگرم حل مسائلی هستند که رشد این «کودک» مطرح ساخته است.

اغلب آنان جزء نسلهای جوان این جوامع هستند و دیدی خاص از آینده دارند. آنان به خواندن کتاب اکتفا نمی‌کنند بلکه کتاب هم می‌نویسند. آنان می‌دانند که برای گسترش احساس تعهد مشارکت خود، از راه نوشته چاپی می‌توانند افراد بیشتری را مخاطب قرار دهند. وسایل ارتباطی الکترونیک، چنین مزایایی را به ایشان نمی‌دهد، زیرا نفس انتقال این افکار و نیز میزهایی که همواره در مورد آن صورت می‌گیرد، اثر این وسایل جدید را محدود می‌کند. در کشورهای در حال توسعه، وسایل ارتباطی الکترونیک همه‌جا زیر نظارت و در دست حکومتهاست.

این جوانان همچنین می‌دانند که بوسیله کتابهایی که در کتابخانه‌ها قرار دارند، می‌توانند فرهنگ خود و فرهنگ دیگران را بشناسند، چرا که این کتابها در دسترس آنان است و ایشان می‌توانند اطلاعات مورد نیاز خود را از این راه بدست آورند. ارقام موجود در باره مراجعان کتابخانه‌ها به نحوی قاطع ثابت می‌کند که اکثریت این مراجعان را جوانان تشکیل می‌دهند و نیاز فوری اینان به آموزش، فقط تا حدی بیان کننده چنین وضعی است.

این دلایل در مورد مصرف نوشته چاپی فقط منحصر بکشورهای در حال توسعه نیست. تاحدی این مطلب درست است که نظام آموزشی،

و سنتی که در آن، فرد تجربه آموزشی خود را درون ساختمان صوری آن نظام بدست می‌آورد، در ارقامی که بیان کننده مصرف وسایل ارتباطی‌اند، تأثیر می‌گذارد.

اما بویژه برای کشورهای در حال توسعه که نوشته چاپی عملاً تنها وسیله خبری آنهاست، چه راه دیگری وجود دارد؟ (فراموش نکنیم که بسیاری از رهبران این کشورها هراندازه هم به «جامعه جهانی» علاقه‌مند باشند، نمی‌خواهند و نه می‌توانند، محصولات تلویزیونی را به جوانان خود تحمیل کنند که فرهنگهایی کاملاً متفاوت از فرهنگ ایشان، آنرا تولید و صادر می‌کند. نظر آنان در درجه اول معطوف به جوامع روستایی خودشان است که کاملاً واقعی هستند و جوانان در آن، حتی بدون پیدا کردن یک احساس همبستگی ملی، رشد می‌یابند.

این جوانان، علاوه بر تماسی که در مدرسه، کتابخانه، و منزل با نوشته چاپی دارند، در صورت دسترسی بوسایل الکترونیک از پیر حرارتترین مصرف کنندگان آن نیز هستند. آنان می‌فهمند که وسایل مختلف ارتباطی یکدیگر را تکمیل می‌کنند، هم‌چنانکه می‌دانند پدران یا استادانشان منبع هر نوع حکمتی نیستند. آنان گاه به تلویزیون نگاه می‌کنند ولی از تمام وسایل ارتباطی تحت اختیار خود هم استفاده می‌برند.

مطاسفانه در کشورهای آنان، انتخاب نسبتاً محدود است و مقدار کمی را که از راه یکی از وسایل معین فرا می‌گیرند، باید با آنچه وسیله دیگر می‌تواند به آنان بدهد، تکمیل کنند. آنان امروزه آگاهی دارند که فنون سمعی - بصری فقط تاحدی می‌توانند آنان را آگاه سازند و لازم است برای یادگیری عمیق، به کتاب بار کردند.

شاید فردا بتوانند از راه فنون سمعی - بصری، در زمان و مکانی معین، مطالب بسیاری را بیاموزند، ولی این امر هنوز به آینده‌یی مبهم بستگی دارد.

در نظر این جوانان، وسایل بیان انسان از زمانهایی که خاطره‌یی از آن وجود ندارد، برجای مانده است؛ چاپ هم از همین زمانها موجود بوده است، و وسایل سمعی و بصری، با آنکه پیش بینی شده است که این وسایل باید در اختیار تعداد روزافزونی از افراد باشد، فقط در دسترس معدودی افراد ممتاز قرار دارد. اما کتاب همه‌جا در زندگی ایشان موجود است؛ کتاب رادپر روز داشتند، امروز دارند و فردا هم خواهند داشت.

آنان تلویزیون جهانی یا استفاده عمومی از ماشینهای حسابگر را در افق فردا نمی‌بینند؛ مرگ کتاب که جای خود دارد. ■

■ سوگ سیاوش (در مرگ و رستاخیز) نوشته شاهرخ مسکوب

بها ۱۳۰ ریال
انتشارات خوارزمی

■ عرفان و منطق

نوشته برتراند راسل
ترجمه نجف دریابندری

بها ۱۶۰ ریال

شرکت سهامی کتابهای جیبی

■ ریاضی دانان نامی

نوشته اریک تمپل بل
ترجمه حسن صفاری

۹۰۸ صفحه، بها ۴۸۰ ریال

انتشارات امیرکبیر

■ مردانی که دنیا را عوض کرده‌اند

نوشته ایگون لارسون
ترجمه ب. مرزبان

شرکت سهامی کتابهای جیبی

■ ساکتوس

مجموعه طرح‌ها و کاریکاتورهای اردشیر محمص

انتشارات دفترهای زمانه

■ چهره استعمارگر، چهره استعمارزده

نوشته آلبرمی

ترجمه هما ناطق

۲۰۰ صفحه، بها ۸۵ ریال

انتشارات خوارزمی

■ کاریکلماتور

مجموعه نوشته و طرح‌های طنز پرویز شاپور

بها ۴۰ ریال

انتشارات نمونه

■ خطابه پوشکین

نوشته داستایوفسکی

ترجمه کامران فانی - سعید حمیدیان

■ قدرت چهل

نوشته لئون تولستوی

نمایشنامه در پنج پرده

ترجمه حمید علوی

انتشارات پژواک

■ تاریخ نجوم اسلامی

نوشته کرام آلفونسولیننده

ترجمه احمد آرام

بها ۱۸۰ و ۲۲۰ ریال

شرکت سهامی کتابهای جیبی

■ مدیا و هکاب (دو نمایشنامه)

نوشته اوریپید

ترجمه ابوالحسن وندور

۱۸۴ صفحه بها ۱۲۰ و ۱۶۰ ریال

انتشارات امیرکبیر

در چهار گوشه جهان

مارگارت مید برنده جایزه کالینگا

جایزه کالینگا که برای ترویج ساده علوم اختصاص یافته، برای نخستین بار به یک بانوی دانشمند تعلق گرفت. مارگارت مید، مردم شناس آمریکایی این جایزه را از دست رنه‌ماهو، مدیر کل یونسکو دریافت کرد. در میان مشهورترین آثار مارگارت مید باید از موارد زیر نام برد: «مردم و مسائل جنسی در استرالیا»، که سال ۱۹۲۸ پس از اقامت نویسنده در جزایر ساموا نوشته شد (ترجمه فرانسه، در سال ۱۹۶۳ توسط انتشارات Plon منتشر گردید). تازه‌ترین کارهای او عبارتند از: «گودال بین نلسپا» (انتشارات Denoël، Gonthier، ۱۹۷۱)، «مردم شناسی، رشته‌ی از علوم انسانی» (انتشارات Payot، ۱۹۷۱) و «Rap on Race» (۱۹۷۱)، که گفتگویی است با جیمز بالدوین نویسنده امریکایی و ترجمه فرانسه آن بزودی از طرف انتشارات Calmann-Levy در پاریس منتشر خواهد گشت. جایزه کالینگا که مبلغ آن ۱۰۰۰ لیره استرلینگ است، هر سال از طرف یک هیئت داوران بین‌المللی که یونسکو تعیین می‌کند، اعطاء می‌شود. نخستین برنده این جایزه در ۱۹۵۲، لویی دوپروی، فیزیک‌دان فرانسوی بود. سال بعد این جایزه به زیست شناس انگلیسی سر جولیان هکسلی تعلق گرفت که نخستین مدیر کل یونسکو بود. در میان سایر برندگان این جایزه باید از ژان ریستان، برتراند راسل، کنراد لورنز، اکوستوی سوئبر (ونزوئلا)، و جکجیت سینگ (هند) نام برد.

کمک تازه سوید

دولت سوید تصمیم گرفته است که از طریق صندوق ذخیره یونسکو، به ایجاد یک موسسه‌ی الکترونیک صنعتی در کوبا کمک کند. مبلغ این کمک ۲۰۲۸۰۰۰۰ دلار است. بدین ترتیب طی شش سال اخیر جمع کمکهای مالی سوید به کشورهای مختلف توسط صندوق ذخیره یونسکو، به بیش از ۱۲ میلیون دلار می‌رسد.

سوادآموزی در مالی

در قالب طرح نمونه سواد آموزی حرفه‌ی که در ۱۹۶۶ با کمک یونسکو و برنامه ملل متحد برای

توسعه آغز شد، تاکنون بیش از ۱۲۰۰ مرکز آموزش، در مالی وجود آمده است که متجاوز از ۴۰۰۰۰ نفر از کارگران کشاورزی را تعلیم داده‌اند. این مراکز توسط خود کارگران ساخته شده و هشت آموزشی آنها را اغلب معلمان داوطلب تشکیل می‌دهند. هدف این طرح، ایجاد ۲۵۰۰ مرکز، برای ۱۰۰۰۰۰۰ کارگر کشاورزی است.

یک میلیون پنهانده آفریقایی

بدینل حوادث سیاسی ده سال اخیر در بسیاری از کشورهای آفریقایی، بیش از یک میلیون آفریقایی این کشورها را ترک کرده و به نقط دیگر پناه برده‌اند. آنچه از طرف دفتر پناهندگان سازمان ملل نسبت باین افراد بخاطر از سر گرفتن زندگی-شان انجام شده است، اخیراً بصورت کتابی گزارش مانند همراه با تصویر، از جانب سازمان ملل متحد انتشار یافته است. این کتاب که «پناه در آفریقا» نام دارد، از طرف انتشارات Seghers به فرانسه نشر یافته و در تمام کتابفروشی‌ها به بهای ۷ فرانک بفروش می‌رسد.

چند نکته...

■ ۳۵۰۰۰۰ تن کاغذ دور ریخته طی سال ۱۹۷۰، در سوید جمع آوری شد و بمصرف کاغذ سازی رسید.

■ در جزایر ساموای آمریکا (جنوب اقیانوس آرام)، ۸۰ درصد از برنامه‌های تلویزیونی به برنامه های درسی و بطور کلی آموزشی اختصاص دارد.

■ بموجب مجموعه فهرست بین‌المللی تراجم «Index Translationum» که توسط یونسکو تنظیم و منتشر شده است، ۵ نویسنده‌ی که طی سال ۱۹۶۹ بیش از همه آثارشان ترجمه شده‌است، عبارتند از لئین (۲۹۰ عنوان)، ژول ورن و ژرژ سینتون (هریبا ۱۲۶ عنوان)، شکسپیر (۱۰۲ عنوان) و ایندبلائیون نویسنده داستان برای جوانان.

■ در جمهوری فدرال آلمان، اکثریت مردم (۶۰ درصد) با خواندن روزنامه‌ها از اخبار روز مطلع می‌شوند، ۱۸ درصد تلویزیون را ترجیح می‌دهند، ۱۳ درصد مجلات و ۸ درصد رادیو را.

■ اتحاد شوروی برای کاربرد منطقی منابع طبیعی دریاچه بایکال و حفاظت این منابع، تصمیمات ویژه‌ی اتخاذ کرده است.

در سوگ همکار

علی اکبر سلیمی مدیر مجله «گزاره یونسکو» پس از عمری کار مطبوعاتی و یشه نویسنده‌ی چشم از جهان فرو بست.

وی سالها در امور نگارش وزارت فرهنگ دست داشت. از آغاز ایجاد کمیسیون ملی یونسکو در ایران، فعالیت‌های مطبوعاتی آن را تنظیم کرد. زحمات او در این صدد بصورت انتشار منظم مجله کمیسیون ملی یونسکو و کتابهایی که در زمینه‌های آموزش، علوم و فرهنگ از جانب آن کمیسیون بطبع رسید، تجلی پذیرفت و یادبودهای ارزشمند و فراموش نشدنی از وی برجای ماند. هم او در بنیانگذاری بعضی مطبوعات ایران پیشگام بود و در تالیف و تدوین کتب درباره سخنوران گذشته و معاصر این سرزمین کوشش فراوان بکار بست.

«سلیمی» طی دوران فعالیت‌های پیوسته مطبوعاتی و نویسندگی خویش هرگز جانب‌پرهیزکاری و فضیلت راستین را رها نکرد و لوح ضمیر را با شائبه‌های زمان تیره نساخت و از راه تئوی درستی انحراف نجست. درگذشت این مرد نیک اندیش و نیک‌نام را به کسان دوستدارانش تسلیت می‌گوییم.

اعطای جوایز به بهترین نویسندگان و ناشران

بمنظور ترویج دانش و فرهنگ و تشویق به تهیه و نشر کتابهای مناسب، کمیته سال بین‌المللی تعلیم و تربیت بریاست فائده‌علیاحضرت شهبانوی ایران هیئت‌های داوران را برگزید تا بهترین آثار را از میان کتابهایی که طی سال ۱۳۴۸ و تا پایان آذر ۱۳۴۹ انتشار یافته، انتخاب و معرفی کنند؛ هر هیئت دآوری مرکب از متخصصان و صاحب‌نظران رشته‌های مربوط بر اساس ضوابط ویژه و بر بنیان نیازهای گروههای علاقه‌مند، کتابهایی را که طی مدت فوق‌ممتد شده، مورد بررسی و ارزشیابی قرار داده است. آراء هیئت‌های دآوری در جلسه اخیر کمیته عالی سال بین‌المللی تعلیم و تربیت در پیشگاه علیاحضرت شهبانو مطرح شد و معظم‌لها ساعت چهار بعد از ظهر ۱۳۵۰/۱۰/۲۸ بهترین نویسندگان و ناشران کتاب را در کاخ‌نیواوران بحضور پذیرفتند.

در این مراسم وزیران آموزش و پرورش، علوم و آموزش عالی، تعاون و امور روستاها، کار و امور اجتماعی، دبیر کل کمیته ملی پیکار بنا به سویادی، دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو در ایران حضور داشتند. در آغاز، دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو در ایران دربارهٔ چگونگی انتخاب بهترین آثار بوسیله هیئت‌های دآوری گزارشی باستحضار رسانید. آنگاه علیاحضرت شهبانو فرمودند امیدوارم در زمینه تعلیم و تربیت و کتاب، مردم بیش از پیش بخوانند و مطالعه تشویق شوند. پیشرفت کشور بستگی به آموزش افراد دارد. تشویق کتابخوانی را بیشتر از کودکان آغاز کرده‌ایم و این امید را هم داریم که علاقه و شوق بتدریج در آنان تقویت شود. امیدوارم آنان که در امر تحقیق و نویسندگی کار می‌کنند و مشغول زحمت می‌شوند از هر حیث مورد تشویق قرار گیرند. سپس نویسندگان کتابها بحضور ایشان معرفی شدند و جوایز خود را دریافت داشتند.

دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو همچنین باستحضار رسانید که هیئت داوران کودکان از جبار باغچه‌بان و نیما یوشیج آفرینندگان داستانهای «بابا برفی» و «آهو و پرنده‌ها» ستایش کرده و پیشنهاد نموده که از آن دو بگونه‌یی که درخور مقام بلند آنان است، به تجلیل یاد شود و از جمله دو کتابخانه ویژه کودکان بنام این دو نویسنده پیشگام، نامگذاری گردد. علیاحضرت شهبانو با این پیشنهاد موافقت فرمودند و نیز مقرر داشتند. در سال بین‌المللی کتاب جوایزی به بهترین نویسندگان داده شود. شرفیابی نویسندگان و ناشران در حدود یک ساعت بطول انجامید.

آراء هیئت‌های دآوری

هیئت‌های دآوری در آراء خود از مسائل تهیه و نشر کتاب در هر زمینه غافل نماندند و

جبهات مثبت آثار را در نظر گرفتند و خصوصیات ارزنده هر یک را بنحوی ذکر کردند که سرمشق نویسندگان جوان و خلاق قرار گیرد و راه آینده با کوششی بیشتر و دیربخش‌تر پیموده شود. خلاصه نظرهای هیئت‌های دآوری برای اطلاع خوانندگان گرامی بدین وسیله درج می‌گردد:

۱. جوایز نویسندگان بهترین کتاب برای کودکان:

– آقای مجید نفیسی، نویسنده کتاب «راز کلمه‌ها» بخاطر طرح بخشی از پدیده‌های زندگی بشر بوجه علمی برای کودکان و با نثری زیبا و ساده و با لطفی شاعرانه و باتلفیق از شیوه غنی ادبی با مفهومی علمی. مبلغ جایزه ۶۰/۰۰۰ ریال. ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

– آقای نورالدین زرین کلک، نقاش کتاب «کلاغها» بخاطر نوآوری و تلاش در جهت تکامل نقاشی اصیل ایرانی و انتخاب شیوه‌ی مناسب برای القاء محتوی و غنا بخشدان بان. مبلغ جایزه ۶۰/۰۰۰ ریال. ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

۲. نویسندگان بهترین کتاب برای نوجوانان:

هیئت داوران در این زمینه، با تأسف خاطر نشان می‌سازد که کمبود کتابهای اصیل تالیفی ویژه نوجوانان ایرانی چشمگیر است و از نویسندگان و نقاشان دعوت می‌کند تا باین زمینه مؤثر، توجه اساسی مبذول دارند. معذرا هیئت داوران تلاش مترجمان را در نقل آثار ارزشمند ادبیات جهان برای نوجوانان قابل تمجید می‌داند و کتابهای زیر را ممتاز معرفی می‌کند:

– خانم ثریا کاظمی بخاطر ترجمه کتاب «کوههای سفید» نوشته «جان کریستوفر» مضامین این کتاب سرشار از انساندوستی و آینده‌نگری تحریک‌آمیز است و اطمینان به پیروزی انسان را بر نیروهای طبیعی و اجتماعی تقویت می‌کند. مبلغ جایزه ۶۰/۰۰۰ ریال، ناشر: کانون پرورش فکر کودکان و نوجوانان.

– خانم گلی امامی بخاطر ترجمه کتاب «سرافینا» که از آثار کلاسیک نوجوانان است و مترجم با ظرافت و حفظ امانت این داستان لطیف و شاعرانه را با فارسی برگردانده است. مبلغ جایزه ۴۰/۰۰۰ ریال، ناشر: انتشارات امیرکبیر.

– آقای عباس خیرخواه بخاطر ترجمه کتاب «معتبر علمی» مشقتی‌های ریاضیات» با نثری ساده و روان و با یافتن و بکار بستن اصطلاحات مناسب

و درست مبلغ جایزه ۵۰/۰۰۰ ریال، ناشر: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

۳. نویسندگان بهترین کتاب در رشته تعلیم و تربیت:

آقای محمد مشایخی، مؤلف کتاب آموزش و پرورش تطبیقی، بخاطر مقایسه وضع آموزش و پرورش ایران با کشورهای دیگر. مبلغ جایزه ۵۰/۰۰۰ ریال، ناشر: دانشسرای عالی.

– آقای حسن صفاری و بانو کوکب صفاری مترجمان کتاب «بحران جهانی تعلیم و تربیت» بخاطر آشنا ساختن علاقه‌مندان با مسائل کنونی آموزش و پرورش جهان. مبلغ جایزه ۴۰/۰۰۰ ریال، ناشر: کمیسیون ملی یونسکو در ایران.

– خانم هما‌هی مترجم کتاب «کودکی که هرگز بزرگ نخواهد شد» بخاطر جلب توجه خوانندگان ایرانی بایکی از مسائل مهم سال بین‌المللی تعلیم و تربیت در ایران یعنی موضوع کودکان استثنائی. مبلغ جایزه ۲۰/۰۰۰ ریال. ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

۴. نویسندگان بهترین کتاب در زمینه تحقیقات و علوم در سطح عالی:

هیئت‌های دآوری در رشته‌های علوم و تحقیقات، علوم اجتماعی کتابهای زیر را بعنوان بهترین آثار معرفی کرده‌اند:

(الف) در رشته‌های علوم و تحقیقات – آقای غلامحسین مناجب مؤلف کتاب «انالیز ریاضیات» بخاطر جنبه علمی کتاب و روش تدوین آن و زحمتی که مؤلف برای تهیه مدارک و مآخذ علمی و بررسی آخرین اطلاعات علمی در زمینه کار خود کشیده است. مبلغ جایزه ۳۵/۰۰۰ ریال، ناشر: انتشارات جیبی.

آقای اسمعیل اعتمادی مؤلف کتاب «بستان‌داران ایران» با رعایت همه جبهات بالا و بخاطر جنبه تحقیقی آن. مبلغ جایزه ۳۵/۰۰۰ ریال، ناشر: دانشگاه تهران.

(ب) در رشته‌های علوم اجتماعی – آقای فریدون آدمیت مؤلف کتاب «اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده» بخاطر کوششی که محقق در شناساندن افکار اجتماعی ایران با روش علمی و تحقیقی بکار برده است. مبلغ جایزه ۳۵/۰۰۰ ریال، ناشر: انتشارات خوارزمی.

– آقای اسمعیل عجمی مؤلف کتاب «شش‌دانگی» بخاطر کوششی که محقق در بررسی

بازاری منتشر شده است

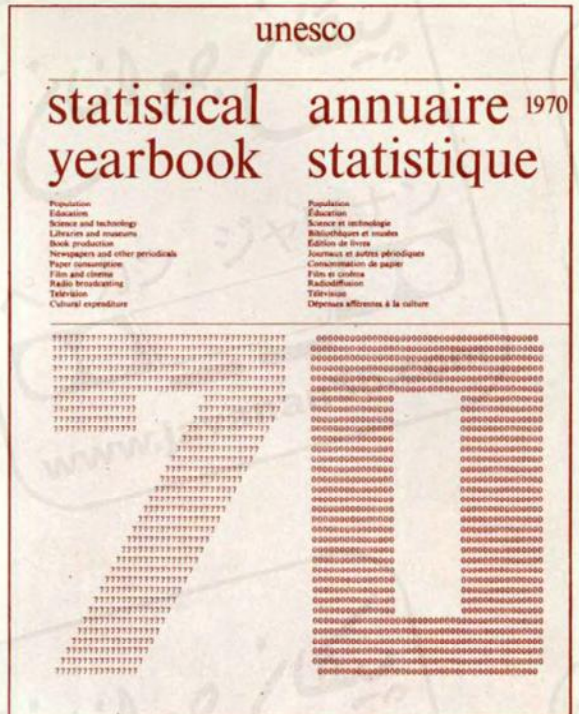
هشتمین مجلد سالنامه آماری یونسکو، ۱۹۷۰
شامل اطلاعات گوناگون و فراوان در زمینه‌های زیر که از اکتاف جهان گرد
آمده، انتشار یافته است:

- نشر کتاب
- روزنامه‌ها و سایر انتشارات منظم
- کتابخانه‌ها و موزه‌ها
- مصرف کاغذ
- تلویزیون و رادیو
- سینما
- مغارج فرهنگی
- آموزش و پرورش
- علوم و فنون
- جمعیت

این مجموعه بدو زبان فرانسه - انگلیسی در ۷۸۶ صفحه با همکاری کمیسیونهای
ملی یونسکو و مراکز آمار کشورها، باهتمام دفتر آمار یونسکو و بخش جمعیت
ملل متحد تدوین شده است.

علاقه‌مندان می‌توانند این مجموعه را توسط دبیرخانه
کمیسیون ملی یونسکو در ایران خریداری کنند.

بها: با جلد متوایی ۲۱۰۰ ریال
با جلد شمیزی ۱۷۵۰ ریال



یکی از مسائل اجتماعی و اقتصادی کنونی ایران
بمعل آورده است.
مبلغ جایزه ۳۵/۰۰۰ ریال، ناشر:
دانشگاه پهلوی.

بعلاوه هیئت داورى علوم اجتماعى كتابهاى
زیر را ممتاز شناخت:
- در زمینه تالیف کتابهای «آراء شورای
عالی ثبت و شرح آن» نگارش آقای محمدجعفری
لنگرودی و «از خست تا خست» تالیف آقای
محمود کنیرایی.

- در زمینه ترجمه «اصول علم سیاست»
مترجم آقای ابوالفضل قاضی و «گریز از آزادی»
ترجمه آقای عزت‌اله فولادوند.

۵. نویسندگان بهترین کتاب برای نوسودان:

- گروه نویسندگان مجموعه «بخوانیم و
بهتر زندگی کنیم»، برنده جایزه اول بخاطر
کوشش ثمربخش و سودمندیکه در تدوین
کتابهای این مجموعه، گروه مذکور تحت نظر
کمیته ملی بیکار جهانی بی‌سوادى بکار بسته
است. مبلغ جایزه ۷۰/۰۰۰ ریال، ناشر: کمیته
ملی بیکار جهانی بایسوادى.

- گروه نویسندگان اداره کل نگارش
وزارت فرهنگ و هنر، برنده جایزه سوم بخاطر
کوششی که در نشر کتابهای مناسب برای نو-
سودان میدول داشته است. مبلغ جایزه ۳۰/۰۰۰
ریال، ناشر: وزارت فرهنگ و هنر.

۶. نویسندگان بهترین کتاب برای کارگران:

- گروه نویسندگان کتابهای منتشر شده
بوسیله طرح تجربی بیکار با بی‌سوادی (منطقه
اصفهان) بخاطر خدمات شایسته آن گروه، برنده
جایزه دوم. مبلغ جایزه ۵۰/۰۰۰ ریال، ناشر:
طرح آزمایشی بیکار بایسوادى.

- گروه نویسندگان انتشارات اداره کل
بازرسی وزارت کار و امور اجتماعى برنده جایزه
سوم. مبلغ جایزه ۳۰/۰۰۰ ریال، ناشر: اداره
کل بازرسی وزارت کار و امور اجتماعى.

۷. نویسندگان بهترین کتاب در سطح روستا:

گروه نویسندگان یازده جزوه مربوط به
سوادآموزی حرفه‌ی بزرگسالان روستایی (منطقه
دزفول) و آقای علی‌اصغر خیره‌زاده نویسنده
پنج جلد کتاب «دست در دست هم» در همین
زمینه، برنده جایزه دوم بخاطر تنظیم مطالب منظم
و مناسب برای بزرگسالان روستایی. مبلغ جایزه
۵۰/۰۰۰ ریال، ناشر: طرح آزمایشی بیکار با
بی‌سوادی.

هیئت داوران در انتخاب بهترین کتابها
برای نوسودان، کارگران و کشاورزان اصول
ساده نویسی، آسان و قابل درک بودن مطالب،
ارتباط موضوع کتاب با گروههای ذیعلاقه، عاری
بودن مطالب کتاب از خرافات و تعصبات، وضع
چاپ و رسم‌الخط کتاب، هدف از نشر کتاب را
مورد توجه قرار داد.

هیئت داوران کار منظم و خطی انتشارات
بیک را کوششی ارزنده و مؤثر تلقی و اظهار
امیدواری کرد که در فرصتهای بعدی انتشارات

مذکور مورد بررسی و تشویق قرار گیرد.
۸. ناشران بهترین کتاب از نظر فن چاپ
و انتشار:

هیئت داوران پس از بررسی دقیق کتابها
از نظر فن گرافیک، صفحه آرایی، چاپ، صحافی،
نوع کاغذ و عواملی که سازنده مبانی درست
ایجاد علاقه بمطالعه در خواننده می‌شود، تصمیم
گرفته است.

- سازمان انتشارات کانون پرورش فکری
کودکان و نوجوانان بخاطر پایه‌گذاری صحیح
نشر کتاب برای کودکان و نوجوانان، برنده
جایزه اول بمبلغ ۷۰/۰۰۰ ریال.

- شرکت سهامی کتابهای جیبی بخاطر
برخوردارى از تخصص و دقت لازم در امر نشر
و تلاش بی‌گير برای ارتقاء سطح کتاب. برنده
دوم بمبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال.

- شرکت سهامی انتشارات خوارزمی،
بخاطر آغاز چشمگیر و حاکی از شناخت عناصر
زیبایی شناسی در امر نشر چاپ و صحافی برنده
جایزه سوم بمبلغ ۳۰/۰۰۰ ریال.

اعتبار جوایز مذکور را: وزارت آموزش
و پرورش (کودکان و رشته تعلیم و تربیت)،
وزارت علوم و آموزش عالی (علوم و تحقیقات
در سطح عالی)، کمیته ملی بیکار جهانی بی
بی‌سوادی (نوسودان)، وزارت کار و امور اجتماعى
(کارگران) وزارت تعاون و امور روستاها (در
سطح روستاها)، وزارت فرهنگ و هنر (فن‌چاپ
و انتشار) کمیسیون ملی یونسکو و موسسه
انتشارات فرانکلین (نوجوانان) تامین کرده‌اند.



اگر نمی‌خواهی از خواندن آنها بازمانی، اول
بهترین کتابها را بخوان.

هنری دیویدتورو

زخمهایی را که اسلحه بوجود
می‌آورد، کتاب التیام می‌بخشد.
خوزه مارتی

کتاب مانند آب، راه
خود را در همه جا
می‌گشاید.

ضرب‌المثل روسی

کیست که می‌آموزد و
حرف نمی‌زند؟ کتاب.
ضرب‌المثل آفریقایی

کسی که سه روز کتاب نخواند، گویی
سخنش مزه ندارد و چهره‌اش بزشتی
می‌گراید.

هوانگ تینگ - چین